



تحقیق و بررسی مسائل حج و عمره و زیارت در روشنی قرآن و سنت



تألیف: شیخ عبدالعزیز ابن باز رحمته الله
مترجم: سید عبدالله "حازم"



dr_s_a_hazem



صفحه رسمی سید عبدالله حازم



شناسه کتاب

- عنوان اثر: تحقیق و بررسی حج
- تألیف: شیخ عبدالعزیز ابن باز رحمته الله
- مترجم: سید عبدالله "حازم"
- ناشر:
- تماس:
- نشانی:

حق چاپ، ترجمه تکثیر و کاپی برای ناشر محفوظ است

فهرست

صفحه

عنوان

۵.....	پیشگفتار
و.....	خطبه کتاب

فصل اول

۱.....	در بیان دلایل فرضیت حج و عمره و شتافتن در ادای آن
۱.....	وجوب مبادرت به ادا نمودن فریضه حج
۳.....	حج و عمره در عمر یک بار فرض است

فصل دوم

۴.....	در بیان وجوب توبه از گناهان و دست کشیدن از مظالم
۵.....	مصارف حج باید از مال شخصی و حلال باشد
۵.....	حاجی باید مستغنی و بی نیاز باشد
۶.....	باید هدف از حج رضای الله و حصول آخرت باشد
۷.....	حاجی باید به احکام حج و عمره علم داشته باشد

فصل سوم

۹.....	در بیان آنچه حاجی هنگام رسیدن به میقات انجام میدهد
۹.....	اگر زن بعد از احرام بستن تکلیف ماهوار دید یا زایمان کرد، چه باید کند؟
۹.....	آنچه قبل از احرام بستن باید انجام داد
۱۰.....	تحریم و قباحت ریش کلی
۱۱.....	زن در هر لباس که احرام بندد جایز است
۱۲.....	تلفظ به نیت جز در احرام در همه عبادات بدعت است

فصل چهارم

- در بیان میقات های مکانی (جاهای احرام بستن) و تحدید موقیعت آنها ۱۳
- پنج میقات گاه ۱۳
- تحریم عبور کردن از مواقیت بدون احرام برای حاجی و جواز عبور از آن برای غیر حاجی ۱۴
- عدم مشروعیت عمره بعد از عمره اولی ۱۶

فصل پنجم

- در بیان حکم کسانی که در غیر ماه های حج به میقات می رسند ۱۷
- اگر بیم آن میرفت که از ادای مناسک حج عاجز آید، چه بگوید: ۱۹

فصل ششم

- در بیان حکم طفل خورد سال، آیا جای حج فرضی اش را میگیرد یا خیر؟
- ۲۰
- کودک ممیز خودش نیت میکند و از طرف غیر ممیز ولی اش نیت میکند ۲۰
- احکام کودکان در حج مانند احکام بالغان است ۲۱
- جایز است که بردارنده طفل از طرف خود و طفل یکجا نیت کند ۲۱

فصل هفتم

- در بیان چیز های جایز و ناجایز در حالت احرام ۲۲

فصل هشتم

- در بیان آنچه حاجی هنگام ورودش به مکه و بعد از داخل شدن در مسجد حرام انجام میدهد ۲۸
- باید زنها باحجاب باشند و در اماکن عبادت عطر و خوشبویی استعمال نکنند ۳۰
- اذکار مخصوص در سعی و طواف وارد نشده است ۳۰
- چگونگی سعی و طواف و آداب آن ۳۱
- حکم کسی که با خود قربانی دارد و کسی که ندارد ۳۴

احکام زنهای معذور (حایضه و نفساء) ۳۴

فصل نهم

در بیان حکم احرام بستن برای حج روز هشتم ذی الحجه و رفتن بسوی

منی ۳۶

چه وقت روانه منی شود؟ وقوف در عرفه و آداب این موقف بزرگ ۳۶

تضرع و عاجزی در روز عرفه و برخی دعای آن: ۳۷

روز عرفه روز نجات از دوزخ است ۴۵

سپری نمودن شب در مزدلفه و جواز رفتن ضعیفان، زنان و کودکان بعد از نیم شب

بسوی منی ۴۷

بعد از روشن شدن روز به منی رفته جمرة عقبه را پرتاب میکند ۴۷

وقت ذبح تا روز سوم ایام تشریق است ۴۸

یک سعی برای حج و عمره حاجی متمتع کفایت نمیکند: ۴۹

فصل دهم

در بیان افضلیت اعمالی که حجاج کرام در روز نحر انجام میدهند ۵۲

فضیلت آب زم زم و نوشیدن از آن ۵۳

چگونگی و آداب رمی جمرات ۵۳

جواز تعجیل بعد از رمی جمرات در روز دوم ایام تشریق و فضیلت تأخیر تا روز سوم:

..... ۵۴

رمی جمرات از طرف کودکان، مریضان، عاجزان و زنان حامله جایز است: ۵۴

برای وکیل جایز است که در یک موقف هم از جانب خود و هم از جانب موکل خود رمی

کند: ۵۵

فصل یازدهم

در بیان وجوب دم بر حاجی متمتع و قارن ۵۷

فصل دوازدهم

در بیان وجوب امر به معروف بالای حجاج و غیره ۵۹
وجوب محافظت بر نمازهای جماعت در مسجد ۵۹

فصل سیزدهم

در بیان تزود (توشه ساگرفتن) از طاعات ۶۶

فصل چهاردهم

در بیان احکام زیارت مسجد نبوی و آداب آن ۶۷
حکم زیارت قبر پیامبر ﷺ : ۷۷

فصل پانزدهم

در بیان استحباب زیارت مسجد قباء و بقیع ۸۱



بسم الله الرحمن الرحيم

پیش‌گفتار:

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده. اما بعد... این مناسک مختصری است مشتمل بر تحقیق و بررسی خیلی از مسایل حج و عمره و زیارت بر روشنی کتاب و سنت رسول الله ﷺ، برای خود و مسلمانانی که الله خواسته باشد، جمع آوری نموده ام، و در نوشتن مسائل اش سعی نمودم تا بر روشنی دلیل باشد. برای بار اول در سال ۱۳۶۳ هجری قمری به مصرف ملک عبد العزیز رحمه الله به چاپ رسید.

سپس مسایل اش را تفصیلی تر نوشتم، و بعضی تحقیقات مورد ضرورت را اضافه نمودم، و خواستم دوباره چاپ شود، تا کسی را که الله خواسته باشد از جمله بندگان به این مستفید سازد، و آنرا "تحقیق و بررسی مسایل حج و عمره و زیارت در روشنی قرآن و سنت" نام گذاری نمودم.

و سپس زیادات مهمی دیگری و یاد داشت های سودمندی را نیز، برای فایده بیشتر در کتاب گنجانیدم، و بارهای متعدد به چاپ رسیده، از الله متعال میخوام تا فایده اش را عام گرداند، و زحمتی که در آن بخرج برده ام خاص برای رضای خود، و سبب کامیابی و دست یابی به بهشت برین بگرداند، او برای ما کفایست و بهترین حامی ماست، هیچ حرکت و قدرتی نیرو و توانایی جز به مشیت الله متعال و بزرگ وجود ندارد.

مؤلف: عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رئیس عام ادارات بحثهای علمی و افتاء و دعوت و ارشاد

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه کتاب

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على عبده ورسوله محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

اما بعد....

این رساله مختصری است در مورد حج و بیان فضایل و آداب آن، و ضرورت هایی که اشخاصی عزم سفر حج دارند، و تعداد زیادی از مسایل مهم حج، عمره و زیارت به شکل فشرده و آسان، در این کتاب گنجانیده شده است. تلاش نمودم مسایلی را جمع آوری کنم که قرآن و سنت بر آن دلالت دارد، بخاطر خیر خواهی به مسلمانان و عمل به فرموده الله متعال: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾﴾ [الذاریات: ۵۵]، ترجمه: "و (پیوسته) پند (و تذکر) بده، زیرا که بیگمان (پند و) تذکر مؤمنان را سود می بخشد)". و فرموده: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ ﴿١٧٧﴾﴾ [آل عمران: ۱۸۷]، ترجمه: "و (به یاد بیاورید) هنگامی را که الله، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت، که حتماً آن را برای مردم بیان کنید، و آنرا کتمان نکنید". و فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ [سوره مائده]، ترجمه: "و در راه نیکو کاری و پرهیز گاری با همدیگر همکاری کنید".

و در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ روایت شده، که سه بار فرموده اند: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» ثلاثاً، قِيلَ: لِمَنْ؟ قَالَ «لِلَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَامَّتِهِمْ» [رواه مسلم]، ترجمه: "(دین خیر خواهیست) سه مرتبه، گفته شد که برای کی ای رسول الله؟ فرمود: "برای الله و کتاب اش، و پیامبرش، و زمامداران مسلمانان، و عامه ای مسلمین"

و طبرانی از حدیثه رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَ مَنْ لَمْ يُصْبِحْ وَيُمَسِّي نَاصِحاً لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِإِمَامِهِ وَ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَلَيْسَ مِنْهُمْ». ترجمه: "کسیکه به شؤون مسلمانان اهتمام ندارد از جمله ای آنها نیست، و کسی که صبح و شام در خیر خواهی الله و کتابش، و پیامبرانش، و زمامداران مسلمانان، و عامه ای مسلمانان نباشد از جمله آنها نیست".

و از الله متعال میخواهم تا فایده اش را به خودم و مسلمانان جهان برساند، و زحمتی که در آن بخرچ بورده ام خاص برای رضای خود، و سبب کامیابی و دست یابی بهشت برین بگرداند، او شنوا و پاسخ دهنده است، و او برای ما کافیست و بهترین حامی ماست.

فصل اول

در بیان دلایل فرضیت حج و عمره و شتافتن در ادای آن

وجوب مبادرت به ادا نمودن فریضه حج:

بعد از این باید بدانیم الله توفیق شناخت و پیروی حق را نصیب من و شما گرداند - که الله ﷻ حج خانه ای خود را بر بندگانش فرض گردانیده، و آنرا رکنی از ارکان اسلام قرار داد.

الله متعال میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ [آل عمران: ۹۷] ترجمه: "و برای الله، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی که توانایی رفتن به سوی آن دارند".

* و در صحیحین از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است، که رسول الله ﷺ فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» [صحیح البخاری: ۸، صحیح مسلم: ۱۶]، ترجمه: "اسلام بر پنج چیز بنا شده است؛ گواهی دادن بر اینکه جز الله هیچ معبودی برحق نیست، و محمد فرستاده ای الله است، و برپا کردن نماز، و پرداخت زکات، و روزه ای ماه رمضان، و حج خانه ای الله متعال".

* و سعید در سنن اش از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت میکند، که فرمود: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أْبْعَثَ رَجُلًا إِلَى هَذِهِ الْأَمْصَارِ فَيَنْظُرُوا كُلَّ مَنْ كَانَ لَهُ جَدَّةٌ وَ لَمْ يَحْجَّ فَيَضْرِبُوا عَلَيْهِمُ الْجِزْيَةَ مَا هُمْ بِمُسْلِمِينَ، مَا هُمْ بِمُسْلِمِينَ»، [سنن سعید بن منصور]، ترجمه: "قصد کردم اشخاصی را به این شهرها بفرستم تا

ببینند هر کسی که مال دارد و حج نکرده، بر آنها جزیه مقرر کنند، اینها مسلمان نیستند، اینها مسلمان نیستند".

* و از علی علیه السلام روایت است که فرمود: «مَنْ قَدَرَ عَلَى الْحَجِّ فَتَرَكَهُ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» ترجمه: "هر که توان حج را داشت و آنرا ترک نمود، برایش یکسان است که یهودی میمیرد یا نصرانی"،

* و کسی که استطاعت حج را دارد و حج نکرده، بالایش فرض است که در ادای حج عجله کند، زیرا از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَعَجَّلُوا إِلَى الْحَجِّ - يَعْنِي الْفَرِيضَةَ - فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي مَا يَعْرِضُ لَهُ»، [مسند أحمد]. ترجمه: "در ادای حج عجله کنید، یعنی حج فرضی، چون هیچ یکی شما نمیداند که چه چیزی برایش رخ میدهد". زیرا فرضیت ادای حج بر شخصی که توانایی اش را داشته باشد، بطور فوری است، چنانچه فرموده ای الله متعال بر همین دلالت دارد: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ [آل عمران: ۹۷]. ترجمه: "و برای الله، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند".

* و رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا» [روایت مسلم] ترجمه: "ای مردم! الله حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج کنید".

و احادیث زیادی دیگر هم بر فرضیت عمره دلالت دارند، از آن جمله:

* پاسخ رسول الله صلی الله علیه و آله به جبریل رضی الله عنه، هنگامیکه در مورد اسلام از وی پرسید، فرمودند: «الإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنْ

تُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَ تُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَ تَحُجَّ الْبَيْتَ وَ تَعْتَمِرَ، وَ تَغْتَسِلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَ أَنْ تُتِمَّ الْوُضُوءَ، وَ تَصُومَ رَمَضَانَ». ترجمه: "اسلام اینست که: گواهی بدهی که جز الله هیچ معبود برحق نیست، و محمد فرستاده الله است، و نماز را برپا داری، و زکات را بپرداز، و حج خانه الله را بجا بیاوری و عمره کنی، و از جنابت غسل کنی، و کامل وضو بگیری، و رمضان را روزه بگیری" [روایت ابن خزیمه و دارقطنی از عمر بن خطاب، و دارقطنین سندش را صحیح و ثابت گفته].

* و از آن جمله: حدیث عایشه رضی الله عنها که گفت: ای رسول الله، «هَلْ عَلَى النِّسَاءِ مِنْ جِهَادٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ: الْحُجُّ وَالْعُمْرَةُ». ترجمه: "آیا بر زنها جهاد است؟ فرمودند: بلی؛ بر آنها جهاد است که در آن جنگ نیست: (یعنی) حج و عمره" [روایت احمد، و ابن ماجه به سند صحیح]

حج و عمره در عمر یکبار فرض است:

* حج و عمره در عمر بیشتر از یک بار فرض نیست؛ چون رسول الله صلی الله علیه و آله در حدیث صحیحی فرمودند: «الْحُجُّ مَرَّةً فَمَنْ زَادَ فَهُوَ تَطَوُّعٌ» "حج یک بار است، کسی بیشتر انجام داد آن نفل بشمار میرود". [مسند احمد با سند صحیح].

* سنت است که حج و عمره نفلی زیاد انجام داده شود؛ زیرا در صحیحین از رسول الله صلی الله علیه و آله ثابت است که فرمودند: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحُجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». ترجمه: "از یک عمره تا عمره ای دیگر محو کننده گناهان میان آن دو است، و جز جنت چیزی دیگری پاداش حج مبرور شده نمیتواند". [صحیح البخاری، صحیح مسلم].

فصل دوم

در بیان وجوب توبه از گناهان و خروج از شکایات

(مظالم: جمع مظلومه، عبارت است از چیزی که به ستم از کسی گرفته شده باشد) هنگامی که مسلمان عزم سفر حج یا عمره را میکند، شایسته است که فامیل و دوستانش را به ترس الله که عبارت از: بجا آوردن اوامر الله واجتناب از نواهیش است، توصیه و سفارش کند.

و آنچه را که از وی بر دیگران یا از دیگران بروی قرض است بنویسد، و کسی را (بر این کارش) شاهد قرار دهد، و این چنین بر وی لازم است، که از تمام گناهانش توبه ای صادقانه کند، چون الله متعال میفرماید: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [نور: ۳۱]. ترجمه: "و ای مؤمنان! همگی به سوی الله توبه کنید، تا رستگار شوید".

و معنای توبه اینست که: گناهان را ترک کنی و از آن دست بکشی، و بر گناهان گذشته ات اظهار پشیمانی کنی، و اگر از حقوق مردم چیزی بر دوشش باشد، خواه نفس یا مال یا ناموس، قبل از سفر حج آنرا برگرداند، یا از آنها پوزش بخواهد؛ چون در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ مَظْلَمَةٌ الْأَخِي مِنْ عَرِيضِهِ، أَوْ شَيْءٍ فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارًا، وَلَا دِرْهَمًا إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ». [صحیح البخاری]. ترجمه: "هر کسیکه حق برادرش نزدش باشد خواه مال یا ناموس، پس امروز معافی بخواهد، قبل از (آن روزی که) نه دیناری باشد و نه درهمی، اگر عمل صالحی داشت به اندازه ظلمی که در حق دیگران انجام داده از آن گرفته میشود، و اگر کارهای خوب نداشت، از گناهان آن (مظلوم) گرفته

میشود و بر این گذاشته میشود".

مصارف حج باید از مال شخص و حلال باشد:

حاجی باید مصارف حجش را از مال حلال مهیا کند؛ زیرا در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا» [صحیح مسلم]. ترجمه: "الله پاک است، و جز پاکی را نمی پذیرد".

و ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ حَاجًّا بِنَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ، وَ وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْغَرَزِ، فَنَادَى: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، نَادَاهُ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، زَادَكَ حَلَالٌ، وَ رَاحِلَتُكَ حَلَالٌ، وَ حَجُّكَ مَبْرُورٌ غَيْرُ مَأْزُورٍ، وَإِذَا خَرَجَ بِالنَّفَقَةِ الْخَبِيثَةِ، فَوَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْغَرَزِ، فَنَادَى: لَبَّيْكَ، نَادَاهُ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ، زَادَكَ حَرَامٌ وَ نَفَقَتُكَ حَرَامٌ، وَ حَجُّكَ غَيْرُ مَبْرُورٍ». [معجم الأوسط للطبرانی] ترجمه: " هنگامیکه مردی با نفقه حلال برای حج بیرون میشود، و پایش را در رکاب میگذارد، و میگوید: پروردگارا! ندای تو را استجابت کرده دعوتت را پذیرفته‌ام، فرشته ای از آسمان صدا میزند و میگوید: خوش آمدی، توشه راحت حلال است و سواریت حلال، حجت پذیرفته شده و هیچ گناهی بر تو نیست، اما اگر کسی با مال خبیث (حرام) آهنگ حج کرده، و صدا بر آورد: بار الهای تو را استجابت کرده دعوتت را پذیرفته‌ام، فرشته‌ای از آسمان بر او داد می‌کشد: توشه‌ات نارواست و خرجت حرام، حجت نامبارک و مردود".

حاجی باید مستغنی باشد:

و حاجی باید مستغنی و بی نیاز باشد، چشمش را به مال مردم ندوزد، و از سوالگری خود داری کند؛ چون رسول الله ﷺ میفرماید: «وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ». ترجمه: "کسی که پاکی را برگزیند الله او را پاک نگه میدارد، و کسی استغناء

اختیار کرد الله او را غنی میسازد." و میفرمایند: «لَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَسْأَلُ النَّاسَ حَتَّى يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ مُرَعَةٌ لَحْمٍ». [متفق علیه]. ترجمه: "شخصی که همیشه می طلبد (گدایی می کند)، و سوالگری را پیشه ای خود میسازد، تا اینکه روز قیامت بر حالتی برمیخیزد که چهره اش هیچ گوشت نمیداشته باشد".

باید هدف از حج رضای الله و حصول آخرت باشد:

بر حاجی فرض است که حج را صرف بخاطر رضای الله متعال و کامیابی آخرت، و با ادای عبادات قولی و فعلی در اماکن مقدسه خود را به الله نزدیک ساختن، انجام دهد، و از ادای حج برای بدست آوردن مال دنیا، یا نام نشان وسیال داری و فخر فروشی جدا خود داری کند و برحذر باشد، چون این مقاصد پوچ و پلیدی است که سبب بربادی و عدم قبولیت عمل انسان میگردد. چنانچه الله متعال میفرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [هود ۱۵ - ۱۶]. ترجمه: "کسی که زندگانی دنیا و زینت را بخواهد، (پاداش) اعمالش را در این (دنیا) به طور کامل و تمام به آنها می دهیم، و چیزی از آنها کم و کاست نخواهد شد، اینان کسانی هستند که در آخرت، جز آتش (جهنم، نصیبی) نخواهد داشت، و آنچه را در دنیا انجام داده اند، بر باد رفته است، و آنچه را عمل می کردند؛ باطل است." و میفرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ تُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾﴾ [الاسراء: ۱۸ - ۱۹]. ترجمه: "هر کس که (دنیای) زود گذر را بخواهد، در آن (دنیا) برای هر که بخواهیم؛ همان اندازه که بخواهیم، زود خواهیم داد، سپس جهنم را برای او قرار

خواهیم داد که نکوهیده مردود در (آتش جهنم) آن در آید، و کسی که (سرای) آخرت را بخواهد، و برای آن سعی و تلاش خود را بکند، در حالی که مومن باشد، پس اینان سعی (و تلاش) شان مشکور است (و پاداش داده خواهند شد)."

و در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: «أَنَا أُغْنِي الشُّرَكَاءَ عَنِ الشَّرِكِ، مَنْ عَمَلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي، تَرَكْتُهُ وَ شِرْكُهُ» [صحیح مسلم]. ترجمه: "الله متعال فرمود: من بی نیاز ترین شریکان از شرک ام، هر که عملی را انجام داد که در آن با من کسی را شریک ساخت، او را با شریک اش رها می کنم." و اینچنین در سفرش باید با مردمان نیک و متقین و پرهیزگاران، و کسانیکه در امور دینی آگاهی دارند همراه شود، و از همراهی با بی عقلان و فاسقان اجتناب کند.

حاجی باید به احکام حج و عمره علم داشته باشد:

و مسایل حج و عمره را باید یاد بگیرد، و چیزی را که نمیدانست بپرسد؛ تا آگاهانه وارد مناسک حج گردد.

و هنگامی سوار شدن بر سواریش (موتر، طیاره، یا هر سواری که باشد) مستحب است که نام الله را یاد کند و حمد و ثنای الله را بگوید، سپس سه بار الله اکبر بگوید، و این دعا را بخواند: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾﴾ [الزخرف: ۱۳ - ۱۴]. ترجمه: "پاک و منزه است کسی که این را برای ما مسخر گرداند، و (گر نه) ما توانایی آن را نداشتیم، و ما به سوی پروردگار ما باز میگردیم."

بعد این دعا را بخواند: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هُونِ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسَوْءِ الْمُنْقَلَبِ

فی المال والأهل [صحیح مسلم]. ترجمه: "بار الها! ما در این سفر خواهان نیکی و تقوی و عملی هستیم که باعث خشنودی تو باشد. بار الها! این سفر را برای ما آسان بگردان و دوری راه را برای ما نزدیک کن. ای الله! تویی همراه ما در این سفر، و دیدن مناظر غم انگیز، و تحول ناگوار در مال و خانواده به تو پناه می برم".

چون این دعا ها از رسول الله ﷺ ثابت است. و مسلم از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما روایت نموده است.

و حاجی در سفرش باید زیاد مصروف ذکر و استغفار، و خواستن طلب مغفرت از الله متعال، و عاجزی بسوی او، و تلاوت قرآن کریم، و تدبیر معنای قرآن باشد، و نمازهایش را به جماعت ادا کند، و زبانش را از قیل و قال (سخنان بیهوده)، و مداخله در اموری که به وی مربوط نیست، و خوش گپی و مزاح زیاد، و از دروغ، و غیبت، سخن چینی، استهزاء به دیگران، نگه دارد.

باید خیرش به همراهانش برسد، و اذیت شان نکند، و به حکمت و اسلوب خوب آنها را به چیزهای خوب امر کند، و از چیزهای بد منع کند.

فصل سوم

در بیان آنچه حاجی هنگامی رسیدن به میقات انجام میدهد

هنگامی که به میقات رسید، مستحب است که غسل کند و عطر بزند؛ زیرا روایت است که رسول الله ﷺ بخاطر احرام لباس های دوخته را کشیدند، و غسل کردند. و در صحیحین از عایشه رضی الله عنها ثابت است که میفرماید: «**كُنْتُ أُطِيبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لِإِحْرَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَحْرِمَ وَلِحَلِّهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ**». [متفق علیه]. ترجمه: "رسول الله ﷺ را بخاطر احرام شان قبل از پوشیدن احرام خوشبویی میزدیم، و بخاطر پاک شدن شان (یعنی خلاص شدن از احرام روز یوم النحر) قبل از طواف (خوشبویی میزدیم)".

اگر زن بعد از احرام بستن تکلیف ماهوار دید یا زایمان کرد، چه باید کند؟

و وقتی که عایشه رضی الله عنها مریض ماهواره شد، و نیت عمره را کرده بود، وی را امر کردند که غسل کند و نیت حج را کند.
و اسماء بنت عمیس رضی الله عنها وقتی در ذی الحلیفه طفلش را بدنیا آورد، وی را امر کردند که غسل کند، و در موضع خون را با رختی را بگذارد، و احرام کند.
این همه دلالت بر این دارد که زن درحالت حیض یا نفاس به میقات برسد، غسل می کند، و با مردم احرام می کند، و تمام آنچه که حاجی انجام میدهد بجا میآورد جز طواف گرد خانه، چنانچه رسول الله ﷺ عایشه و اسماء رضی الله عنهما را امر نمودند.

آنچه قبل از احرام بستن باید انجام داد:

کسی که اراده احرام را کرد قبل از آن (بستن احرام) چیز های ذیل را جهت آماده گی برای احرام انجام دهد، تا بعد از احرام به آن ضرورت احساس نکند؛ چون در آن وقت برایش جایز نمی باشد: کوتاه کردن ناخن ها، و بروت (سبیل)، و تراشیدن

موهای زیر (بغل) و شرمگاه. و رسول الله ﷺ گرفتن این چیزها را بر مسلمانان در همه وقت مشروع قرار داده اند، مثلیکه در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه ثابت است که رسول الله ﷺ میفرماید: «**الْفِطْرَةُ خَمْسٌ: الْحِطَانُ، وَالْاِسْتِحْدَادُ، وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَنَتْفِ الْإِبْطِ، وَقَصُّ الشَّارِبِ**». [متفق علیه]، ترجمه: " فطرت (سنت انبیای کرام) پنج (چیز) است: ختنه، و استحداد (تراشیدن موی شرمگاه)، و قیچی کردن بروت (سبیل)، و چیدن ناخن، و کندن یا ازاله‌ی موی زیر بغل."

و در صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت است میفرماید: برای ما بخاطر قیچی کردن بروت (سبیل)، و چیدن ناخن، موی زیر بغل، و تراشیدن موی شرمگاه، وقت مقرر تعیین شده که آنرا بیشتر از چهل شب نگذاریم.

و در سنن نسائی با لفظ **(وَقَّتْ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ)** "یعنی رسول الله ﷺ برای ما - در مورد این چیزها میعاد (وقت) مقرر کرده است". روایت نموده. و امام احمد و ابوداود و ترمذی هم به لفظ نسائی روایت نموده اند. اما گرفتن موی سر هنگام احرام نه برای مردان مشروعیت دارد و نه برای زنان.

تحریم و قباحت ریش کلی:

اما ریش، تراشیدن و کم کردنش در هر حال ناروا است، بلکه گذاشتن ریش به حال خودش فرض است؛ بنا بر حدیثی ابن عمر رضی الله عنهما در صحیحین که میفرماید: رسول الله ﷺ فرمودند: «**خَالِفُوا الْمُشْرِكِينَ وَفَرُّوا اللَّحْيَ وَأَحْفُوا الشَّوَارِبَ**». [صحیح البخاری: ۵۸۹۲]. ترجمه: "با مشرکین مخالفت کنید، ریش‌ها را دراز کنید، و بروتها (سبیل‌ها) را قیچی کنید". و مسلم در کتاب صحیح اش از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده، که رسول الله ﷺ فرمودند: «**جُزُّوا الشَّوَارِبَ وَأَرْخُوا اللَّحْيَ خَالِفُوا الْمُجُوسَ**» [رواه مسلم]. "بروتها (سبیل‌ها) را قیچی کنید، و ریش‌ها را دراز بگذارید، با مجوس خلاف ورزی کنید".

ولی امروزه مصیبت بزرگی رخ داده و اکثر مردم با این سنت مخالف اند، و بر علیه آن جبهه گیری می کنند، و با کفار و زنها مشابَهت را می پسندند، خاصه از طبقه ای دانشمندان، جای بسا تأسف است، الله ما و تمام مسلمانان را به پیروی از سنتها و چنگ زدن به آن، و دعوت بسوی آن، توفیق دهد، هرچند که بسیاری از آن روی گردانند، «**وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» سپس مرد شلوار و چادر را می پوشد، و پوشیدن شلوار و چادر سفید، و نعلین، مستحب است؛ چون رسول الله ﷺ فرمودند: «**لِيُحْرِمَ أَحَدُكُمْ فِي إِزَارٍ وَرِدَائٍ وَنَعْلَيْنِ**». ترجمه: " هر یکی شما در یک شلوار و چادر و نعلین احرام ببندد ". [روایت امام احمد رحمه الله].

زن در هر لباسی که احرام ببندد جایز است:

اما برای زن جایز است در هر لباسی احرام کند، خواه سیاه باشد یا سبز یا لباسهای دیگری، بشرطی که از مشابَهات با مرد ها در لباس شان اجتناب کند، و اینچنین در حالت احرام نباید نقاب (روی بند) و دست کش بپوشد ولی چهره و دستهایش را با چیزی دیگری غیر از نقاب و دست کش بپوشاند تا مرد های نامحرم نبینند؛ زیرا رسول الله ﷺ زن را از پوشیدن نقاب و دست کش منع نمودند، و نظریه ای بعضی عوام که باید زن به لباس سفید یا سبز احرام کند بی اساس است.

بعد از غسل و پاکی و پوشیدن لباسهای احرام، نیت داخل شدن در ادای نسکی (ارکان و اعمال حج و عمره) را که عزم دارد، بکند؛ زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: «**إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى**». ترجمه: "اعمال منحصر به نیت آن است، و برای هر شخص تنها همان چیز است که آنرا قصد نموده".

و در این مقام جایز است آنچه را که نیت دارد به زبان بیارد، اگر نیتش عمره باشد، میگوید: **(لبیک عمره)** یا **(اللَّهُمَّ لَبِیکَ عَمْرَةَ)**، و اگر نیتش حج باشد، میگوید:

(لبیک حجا) یا (اللَّهُمَّ لبیک حجا)؛ چون رسول الله ﷺ همین کار را کردند، و اگر نیت هر دو (حج و عمره) را داشت، بگوید: **(اللَّهُمَّ لبیک عمره و حجا)**، و بهتر است به زبان آوردن این الفاظ بعد از سوار شدن سواری - حیوان یا موتر یا چیزی دیگری - باشد؛ زیرا رسول الله ﷺ بعد از اینکه سوار شدن و سواری شان از میقات به حرکت آماده شد، تلبیه گفتند، و صحیح ترین اقوال علماء در این باب همین است.

تلفظ به نیت جز در احرام در همه عبادات بدعت است:

و تلفظ به نیت جز در احرام به نسک حج درست نیست؛ چون (در احرام به نسک حج) از رسول الله ﷺ ثابت است.

اما در نماز و طواف و دیگر عبادات نباید به زبان نیت کند، نگوید: نیت کردم چنین و چنان نماز میگذارم، یا نیت کردم طواف کنم، بلکه تلفظ به نیت از جمله بدعت ها و نوآوری در دین شمرده می شود، و به صدای بلند نیت کردن بدتر و گناهش بیشتر است، اگر تلفظ به نیت جایز می بود، رسول الله ﷺ آنرا به قول شان یا به فعل شان برای امت بیان می نمودند، و سلف صالحین آنرا انجام میدادند.

هرگاه نه از رسول الله ﷺ نقل شد و نه از صحابه رضی الله عنهم پس دانسته شد که بدعت است، چنانچه رسول الله ﷺ فرمودند: **«شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»** ترجمه: "بدترین امور چیزهای نوپیدا (در دین) است، و هر بدعت گمراهی است" [روایت مسلم]. و فرمودند: **«مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»**. ترجمه: "کسی در دین ما چیزی را ایجاد نمود که روش ما بر آن نیست، پس آن مردود است." [متفق علیه]. و در روایت مسلم چنین آمده است: **«مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»**. ترجمه: "هر که عملی انجام دهد که مطابق روش ما نباشد، آن عمل مردود است." [رواه مسلم].

فصل چهارم

در بیان میقات های مکانی (جای احرام بستن) و تحدید موقعیت آنها

پنج میقاتگاه است:



اول: میقاتگاه ذوالحلیفه: اکنون به نام (ابیار علی) یاد میشود، و این میقاتگاه اهل مدینه است.

دوم: میقاتگاه الجحفه: این میقاتگاه برای مردم شام (لبنان، سوریه، فلسطین، اردن) و آنانی است که از آن جهت داخل مکه مکرمه میشوند. و جحفه قریه ای خرابه ای

است نزدیک راه ساحلی رابع، و حالا مردم از رابع (اسم مکان است) که اندکی قبل از میقاتگاه موقعیت دارد احرام میبندند، و این احرام از میقات بشمار میرود.

سوم: میقاتگاه قرن المنازل: و حالا به نام سیل یاد میشود، و میقاتگاه مردم نجد^۱ است.

چهارم: میقاتگاه یلملم: (اکنون به نام سعدیه شهرت دارد)، و میقاتگاه مردم یمن است.

پنجم: میقاتگاه ذات عرق: و این میقاتگاه مردم عراق است. این میقاتگاه ها را رسول الله ﷺ برای کسانی که ذکر کردیم، و کسانی که به نیت حج یا عمره از آن جهت عبور میکنند، تعیین نمودند.

۱- نجد شامل مناطق ریاض، خرج، سدیر، قصیم و حائل است. این تعلیق از سخنان مؤلف نیست

تحریم عبور کردن از مواقیت بدون احرام برای حاجی و جواز عبور از آن برای غیر

حاجی:

و کسی که قصد حج یا عمره داشته باشد درحقیقت واجب است که از این جاها احرام ببندد، و درست نیست که بدون احرام از این میقاتگاهها زمینی یا هوایی عبور کند؛ زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: «هُنَّ هُنَّ، وَ لَمِنْ أُنَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِنَّ، مِمَّنْ يُرِيدُ الْحَجَّ أَوْ الْعُمْرَةَ». ترجمه: "این جاها میقات برای این های که (اهل مناطق مذکور در حدیث) ذکر شدند، و کسانی که از غیر اهالی این مناطق به نیت حج یا عمره از آن جاها عبور می کنند، است".

و کسانی که از طریق هواپیما عازم حج یا عمره میگردند، باید قبل از سوار شدن هواپیما غسل کنند و آماده باشند، هرگاه به برابری میقات رسید، شلوار و چادر احرام را بپوشد، اگر وقت زیاد بود (یعنی قبل از ۸ ذی الحجه، یا در هشتم ولی ادای عمره برایش میسر بود) نیت عمره را کند، و اگر وقت کم بود نیت حج را کند، و اگر لباس احرام را قبل از سوار شدن هواپیما، یا قبل از رسیدن به برابری میقات بپوشد، اشکالی ندارد، ولی تا به برابری میقات نرسد نیت نکند، چون رسول الله ﷺ جز میقات از جای دیگری احرام نبستند، و بر امت واجب است که از وی ﷺ در این امر، مانند تمام امور دین، اقتدا کنند؛ زیرا الله متعال میفرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [احزاب: ۲۱]. ترجمه: "یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است".

و رسول الله ﷺ فرمودند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكُكُمْ». ترجمه: "(روش) اعمال حج تان را از من یاد بگیرید"

اما کسانی که بدون اراده حج یا عمره وارد مکه می شوند، مانند: تجار، و هیزم چین، و برید و امثال شان، بر آنها احرام لازم نیست، مگر اینکه خواست خود شان

باشد؛ بنا بر حدیثی که قبلاً در بیان میقاتها ذکر شد: «هُنَّ لَهْنٌ، وَ لَمِنْ أُمَّيْ عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِنَّ، مِمَّنْ يُرِيدُ الْحَجَّ أَوْ الْعُمْرَةَ». ترجمه: "این جاها میقات برای این های که (اهل مناطق مذکور در حدیث) ذکر شدند، و کسانی که از غیر اهالی این مناطق به نیت حج یا عمره از آن جاها عبور می کنند، است".

پس مفهوم حدیث این است: کسی که از این میقاتها عبور می کند و نیت حج یا عمره را ندارد بر آن احرام لازم نیست. این یک لطف و مهربانی الله متعال بر بندگانش است، پس باید حمد و ثنا و شکر او را به بجا بیاوریم.

و این چنین ورود رسول الله ﷺ به مکه بدون احرام، در عام الفتح، این مسأله را تأیید می کند؛ چون اراده حج یا عمره را نداشتند، بلکه بخاطر فتح مکه و پاکسازی آن از شرک، داخل مکه شدند. و کسانی که بود و باش شان داخل دایره میقاتها باشد، مانند: باشندگان جده، ام سلم، و بحر، و شرایع، و بدر، و مستوره، و امثال آن، بر آنها لازم نیست که به میقاتهای پنجگانه بروند، بلکه خانه شان میقات شان هست، و از همانجا احرام حج یا عمره هر یک را قصد دارد میبندد، و اگر خانه ای دیگر بیرون میقات هم داشته باشد، اختیار دارد که از میقات احرام ببندد یا از خانه اش که داخل حدود میقات و به مکه نزدیک است؛ بنا بر عموم حدیثی که ابن عباس رضی الله عنهما از رسول الله ﷺ روایت نموده، فرمودند: «و کسانی که داخل این دایره (حدود میقات) هستند، جای تلبیه اش (جایی که احرام میبندد و «لَبَّيْكَ عُمْرَةً» یا «حَجًّا» میگوید خانه اش هست، حتی باشندگان مکه از مکه تلبیه میگویند».

لیکن کسی که داخل حدود حرم باشد، و اراده عمره را کند، باید به حلّ (خارج حدود حرم) برود، و از آنجا احرام عمره را ببندد؛ زیرا هنگامیکه عایشه رضی الله عنها از رسول الله ﷺ مطالبه ای عمره را کرد، پیامبر ﷺ عبد الرحمن برادر عایشه رضی الله عنها را امر کردند که وی را بیرون از حدود حرام ببرند تا از آنجا احرام کند، پس این دلیل است

بر اینکه: عمره کننده نمیتواند از داخل حدود حرم احرام عمره را ببندد، بلکه باید از حلّ (خارج حدود حرم) احرام کند. و این حدیث بیانگر اینست که مراد از حدیث ابن عباس رضی الله عنه که قبلاً گذشت: "حتی باشندگان مکه از مکه تلبیه میگویند" تلبیه به حج است، نه به عمره، زیرا اگر تلبیه به عمره از داخل حدود حرم جایز می بود، به عایشه رضی الله عنها اجازه میدادند، و آنها به بیرون از حدود حرم رفتن امر نمی کردند، و این یک امر واضح و آشکار و نظر جمهور علمای کرام رضی الله عنهم است، و احتیاط هم در همین است چون به هر دو حدیث عمل میشود. توفیق دهنده الله است.

عدم مشروعیت عمره بعد از عمره اول:

اما چیزی را که تعدادی از حاجی صاحبان انجام میدهند، که بعد از حج بار بار به تنعیم وجعرا نه میروند و عمره های زیادی می کنند، با وجودیکه قبل از حج عمره کرده اند - هیچ دلیلی در شریعت ندارد، بلکه همه دلایل دال بر این است که این کار نشود، چون رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه رضی الله عنهم بعد از حج عمره نکردند، اما عایشه رضی الله عنها چون (قبل از دخول مکه برایش عذر ماهواره پیش آمد) نتوانست قبل از حج با دیگران عمره کند، لذا از رسول الله صلی الله علیه و آله مطالبه کرد که تا بجای عمره ای که از میقات نیت کرده بود، عمره ای کند، و برایش اجازه دادند، و به این شکل عایشه رضی الله عنها دو عمره کرد، یکی با حج قران، و این عمره ای جداگانه، پس کسی اگر حالتش مانند عایشه رضی الله عنها باشد ایرادی ندارد که بعد از حج عمره کند؛ تا به همه دلایل عمل شود، و بر مسلمانان گسترش صورت گیرد.

و در این شکی نیست که مصروف شدن حاجی صاحبان به عمره ی دیگر بعد از ادای حج، به غیر از آن عمره ای که هنگامی داخل شدن به مکه انجام داده اند، باعث مشقت و تکلیف همه حاجیان و سبب ازدحام و حوادث میگردد، علاوه بر اینکه مخالفت با سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله است. توفیق دهنده الله است.

فصل پنجم

در بیان حکم کسانی که در غیر ماه های حج به میقات میرسند

کسی که به میقات میرسد از دو حالت خالی نیست:

۱. یکی اینکه: در غیر ماه های حج، مانند: شعبان، رمضان، به میقات برسد، سنت

در حق این شخص اینست که احرام عمره را ببندد، به قلبش نیت عمره را کند و به

زبان این جمله را بگوید: **(لَبَّيْكَ عُمْرَةً)** یا **(اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ عُمْرَةً)**، سپس تلبیه ای

رسول الله ﷺ را بگوید: **(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ**

وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ) ترجمه: "الها! آماده و فرمانبردار دستور تو

هستم، هیچ شریکی نداری، سپاس و نعمت و قدرت تنها مخصوص تو است و هیچ

شریکی نداری." تا هنگامی رسیدن به بیت الله این تلبیه را زیاد بگوید و اینچنین

ذکر الله ﷻ را زیاد کند، وقتی به خانه کعبه رسید تلبیه را بس کند، و هفت بار به

دور خانه طواف کند، و دو رکعت نماز (طواف) عقب مقام ابراهیم ادا کند، سپس

بسوی تپه ای صفا برود، هفت بار میان صفا و مروه سعی (گردش) کند، سپس موی

سرش را بتراشد یا کوتاه کند، و به این کار عمره اش تمام میشود، و همه چیزی که

به سبب احرام بالایش حرام گردیده بود برش جایز میگردد.

۲. دوم: کسی که در ماه های حج که عبارت است از: شوال، و ذی القعدة، و دهه ی

اول ذی الحجه، به میقات برسد، سه خیار پیش رو دارد: تنها حج، یا تنها عمره، یا

هر دو را یک جا جمع نمودن؛ زیرا رسول الله ﷺ در حجة الوداع در ماه ذی القعدة

هنگامی به میقات رسیدند اصحاب شان را میان این سه نسک اختیار دادند، ولی

سنت در حق کسی که باخود هدی ندارد اینست که نیت عمره را کند (یعنی حج

تمتع را نیت کند) و آنچه را در حق کسانی که در غیر ماه های حج به میقات میرسند

بیان نمودیم، این هم انجام دهد، زیرا صحابه کرام وقتی به مکه نزدیک شدند رسول الله ﷺ آنها امر کردند که نیت شان را عمره بگردانند، و در مکه هم این امر را بالایشان تاکید کردند، و آنها بخاطر بجا آوردن امر رسول الله ﷺ طواف کردند، و سعی نمودند، و موی های شان را کوتاه کردند، و از احرام خلاص شدند، جز کسانی که با خود هدی آورده بودند، آنها را پیامبر ﷺ امر نمودند که در احرام خود باقی بمانند تا اینکه روز دهم ذی الحجه از احرام برآیند،

و سنت در حق کسانی که با خود هدی آورده اند اینست که حج قران (نیت حج و عمره را یکجا) کنند؛ زیرا رسول الله ﷺ با خود هدی آورده بودند و این حج را کردند، و آنده صحابه کرامی که با خود هدی آورده بودند آنها را نیز امر کردند که حج را با عمره شان یکجا کنند (یعنی هر دو را در یک تلبیه جمع کنند).

(اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ عُمْرَةً وَحَجًّا)، و روز نحر (روز دهم ذی الحجه) از احرام هر دو (حج و عمره) یکجا خلاص شود، و اگر کسی که با خود هدی آورده تنها نیت حج را کرد در آنصورت نیز مانند قارن (کسی که حج و عمره را یکجا نموده) تا یوم النحر در احرامش باقی میماند.

پس دانسته شد که: کسی که تنها نیت حج را میکند، یا نیت حج و عمره را دارد ولی با خود هدی نیاورده، مناسب نیست که در احرامش باقی بماند، بلکه سنت در حقش اینست که: احرامش را احرام عمره بگرداند، طواف و سعی کند، و موی سرش را کوتاه کند، و از احرام برآید، چنانچه رسول الله ﷺ صحابه کرامی را که با خود هدی نداشتند به آن امر نمودند، مگر اینکه بخاطر دیر رسیدنش از فوات حج در حراس باشد، باز باکی ندارد که در احرام خود باقی بماند. والله اعلم.

اگر بیم آن میرفت که از ادای مناسک حج عاجز آید، چه بگوید:

اگر محرم هراس داشت که میشود به علت مریضی یا از ترس دشمن نتواند حج اش را به پایان برساند، در آنصورت مستحب است، هنگام احرام بستن چنین بگوید: **(فَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَجِيٍّ حَيْثُ حَبَسْتَنِي)**، یعنی: "اگر چیزی مانع ادای حج و یا عمره من گردید، پس محل (جای خارج شدن از احرام) من در همان جاست که مانع رخداده است". [روایت بخاری و مسلم].

و فایده این شرط اینست که: اگر چیزی مانع انجام دادن حج و عمره ی محرم گردید، از احرام اش خارج میشود و هیچ چیزی بالایش لازم نیست.

فصل ششم

در بیان حکم حج طفل خورد سال، آیا جای حج فرضی اش را میگیرد یا خیر؟

حج پسر و دختر خورد سال درست است؛ بنا بر حدیث صحیح مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما که زنی طفلی را به رسول الله صلی الله علیه و آله بلند کرد و فرمود: ای رسول الله: آیا حج این درست است؟ فرمودند: (آری، و برای تو پاداش است).
و در صحیح بخاری از سایب بن یزید رضی الله عنه روایت است که فرمود: (من با رسول صلی الله علیه و آله حج داده شدم، در حالیکه هفت ساله بودم). ولی این حج جای حج فرضی را نمی گیرد و کافی نیست.
این چنین برده و کنیزی که در ملکیت با دارشان هستند، حج شان درست است، ولی قایم مقام حج فرضی نمی گردد؛ زیرا در حدیث ابن عباس رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه و آله ثابت است که فرمودند: «**أَيُّمَا صَبِيٍّ حَجَّ ثُمَّ بَلَغَ الْحِنْثُ فَعَلَيْهِ أَنْ يَحُجَّ حَجَّةً أُخْرَى وَ أَيُّمَا عَبْدٍ حَجَّ ثُمَّ أَعْتَقَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَحُجَّ حَجَّةً أُخْرَى**» ترجمه: "هر طفلی که حج کرد و بعد از آن به بلوغ رسید، باید بار دیگر حج کند، و هر برده ی که حج کرد سپس آزاد شد، دیگر بر وی حج لازم نیست". [روایت ابن ابی شیبه، و بیهقی به سند حسن].

کودک ممیز خودش نیت میکند و از طرف غیر ممیز ولی اش نیت میکند:

طفلی که به سن تمییز نرسیده باشد، ولی اش (پدر یا مادر یا هر کی که مسئولیت اش را به دوش دارد) بجای وی نیت می کند، و لباس هایش را دور می کند (و برایش احرام می پوشاند) و از وی تلبیه میگوید، و به این شکل طفل محرم می گردد، و از چیزهاییکه محرم باز داشته میشود وی نیز باز داشته میشود، و این چنین دختر خورد سالی که به سن تمییز نرسیده، ولی اش بجای وی نیت می کند و تلبیه میگوید، و آن دختر محرم می گردد، و از چیزهاییکه زنهای محرم باز داشته

میشوند این نیز باز داشته میشود، و بهتر است بدن و لباس های احرام شان، اثنای طواف پاک باشد؛ زیرا طواف مانند نماز است، و پاکی در نماز شرط است.

احکام کودکان در حج مانند احکام بالغان است:

و اگر پسر یا دختر ممیز بود، به اجازه ولی شان نیت می کنند، و آنچه را که شخص بالغ هنگام احرام انجام میدهد، مانند: غسل و استعمال عطر و غیره، اینها نیز انجام میدهند، و ولی شان خواه پدرش باشد یا مادرش یا کسی دیگری، سرپرستی همه امور شانرا می کند، و اعمالی را که از انجام آن عاجز بمانند مانند: رمی جمرات و غیره، نیز به نیابت آنها انجام میدهد، و انجام دیگر سایر اعمال حج بر خود آنها لازم است مانند: وقوف عرفه، و مبيت منی و مزدلفه، و طواف وسعی، و اگر از انجام طواف وسعی عاجز شدند، طواف و سعی داده شوند، و بهتر این است: کسی که اینها را طواف وسعی میدهد،

جایز است که بردارنده طفل از طرف خود و طفل یکجا نیت کند:

از باب احتیاط، و عمل به حدیث: «دَعَّ مَا يَرِيكُ إِلَى مَا لَا يَرِيكُ» ترجمه: "چیزی مشکوک را رها کن و چیزی را که در آن شک نیست بگیر"، طواف سعی خود را جدا نیت کند و از اینها را جدا، یعنی هر دو را یکجا نیت نکند، و اگر طواف دهنده نیت طواف خود و نیت طواف اینها را یکجا کند، بنابر صحیح ترین اقوال علماء درست است؛ زیرا رسول الله ﷺ آن کسی را که در مورد حج طفل پرسید، امر نکردند که برای آن طواف جداگانه انجام دهد، اگر این کار واجب می بود حتما پیامبر ﷺ آنرا بیان میکردند. الله توفیق دهنده است. پسر و دختر ممیز قبل از آغاز نمودن طواف، مانند اشخاصی بالغ، امر به طهارت و پاکی از نجاسات و بی وضوی میشوند، از طرف پسر و دختر احرام بستن بر سرپرست شان واجب نیست، بلکه کار نفلی است، اگر کرد ثواب میگیرد و اگر نکرد گناه ندارد.

فصل هفتم

در بیان چیزهای جایز و ناجایز در حالت احرام

* گرفتن موی، از سر یا دیگر اعضای بدن، یا چیدن ناخن ها به هر وسیله ای که باشد، یا استعمال عطر، بعد از احرام بستن بالای مرد و زن حرام است.

* و پوشیدن لباسهای دوخته شده به هیئتی که قیچی شده و دوخته شده، مانند: پیراهن، و زیر پیراهنی، و ازار، و موزه، و جراب، برا مردها جایز نیست، مگر کسی شلوار (لنگ) پیدا نکند جایز است ازار بپوشد، و این چنین کسی نعلین نیابد جایز است موزه را بدون پاره کردن بپوشد؛ زیرا در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنه ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ لَمْ يَجِدْ نَعْلَيْنِ فَلَيْلِسَ الْخُفَّيْنِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْ إِزَارًا فَلَيْلِسَ السَّرَاوِيلَ» ترجمه: " کسی نعلین نیافت موزه بپوشد، و کسی شلوار (لنگ) نیافت ازار بپوشد". اما حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که در آن بریدن موزه ذکر شده که کسی نعلین نیافت موزه را ببرد و آنرا بپوشد، منسوخ است؛ زیرا این سخن را رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه هنگامیکه از لباسهای محرم پرسیده شدند گفتند، و بعد از آن در خطبه عرفات در حالت عدم وجود نعلین اجازه پوشیدن موزه را دادند، و به بریدن آن امر نکردند، با وجودیکه در این خطبه کسانی حضور داشتند که پاسخ شان در مدینه به جواب سوال از لباسهای محرم را نشنیده بودند، (پس اگر بریدن موزه لازم می بود بیان می نمودند چون ضرورت به بیان بود) و تأخیر بیان از وقت ضرورت درست نیست، طوریکه در علم اصول حدیث و اصول فقه دانسته شد، پس منسوخ بودن بریدن موزه ثابت شد، و اگر واجب می بود حتما رسول الله صلی الله علیه و آله بیان میکردند. والله اعلم.



* و محرم میتواند بوت های که از بجلک پایین باشد بپوشد؛ زیرا از جنس نعلین بشمار میرود.



* و اینچنین جایز است شلوارش را گره بزند، یا با چیزی ببندد؛ زیرا دلیلی بر منع اش وجود ندارد.

* و برای محرم جایز است که غسل کند، و سرش را بشوید، و اگر ضرورت احساس کرد آهسته آهسته بخارد، اگر به سبب این خاریدن مویش بیفتد باکی ندارد.



* پوشیدن آنچه که به اندازه چهره دوخته شده باشد، مانند: روبند، نقاب و چادری، و همچنین دستکش های که به اندازه دستها بافته یا دوخته شده باشد بالای زن حرام است؛ بنابر فرموده ی رسول الله ﷺ: «لَا تَنْتَقِبُ الْمَرْأَةُ وَ لَا تَلْبَسُ الْقَفَّازِينَ». ترجمه: "زن در احرام نقاب به چهره نمی زند و دستکش به دست نمی کند" [روایت بخاری].



* دست کش: هر آنچه از پشم یا پنبه یا چیزی دیگر به اندازه دست ها بافته یا دوخته شود.




* و برای زن بغیر از اشیای مذکور پوشیدن دیگر لباسهای دوخته شده، مانند: پیراهن وازار، و موزه، و جراب، جایز است.




* و این چنین جایز است چادرش را در حال ضرورت بر رویش بیندازد، ولی بسته نکند، و اگر چادر بر رویش میرسد باکی ندارد؛ زیرا عایشه رضی الله عنها میفرماید: «كَانَ الرُّكْبَانُ يَمُرُّونَ بِنَا وَنَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُحْرِمَاتٌ فَإِذَا حَاذُوا بِنَا سَدَلَتْ إِحْدَانَا جِلْبَابَهَا مِنْ رَأْسِهَا إِلَى وَجْهِهَا فَإِذَا جَاوَزُونَا كَشَفْنَاهَا» ترجمه: "در حالی که همراه رسول الله ﷺ محرم بودیم، کاروان ها از کنار ما می گذشتند، پس هنگامی که به ما نزدیک می شدند روسری خود را بر




چهره می کشیدیم و هرگاه عبور می کردند چهره ی خود را آشکار می کردیم" [روایت ابوداود وابن ماجه، ودار قطنی از حدیث ام سلمه روایت نموده].

*  و ایرادی ندارد که دستهایش را به لباسهایش بپوشاند، و پوشاندن روی و دستها در حضور مردان بیگانه واجب است؛ زیرا روی عورت است؛ به دلیل فرموده ای الله متعال: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ [نور: ۱۳]، ترجمه: "و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهران شان". و شکی نیست که بزرگترین زینت روی و دستها است، و خاصه بیشترین زینت در روی است، الله متعال میفرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [احزاب ۳۵]. ترجمه: "و هنگامی که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل های شما و دل های آنان پاکیزه تر است".

اما چیزی که تعدادی از زنها زیر چادر به سر می کنند تا مانع رسیدن چادر بر روی شان شود، در شریعت اساس ندارد، و اگر این کار مشروع می بود رسول الله ﷺ به امت شان بیان میکردند، و سکوت از چنین چیز درست نیست.

*  و شستن و تبدیل کردن لباسهای احرام به مرد و زن جایز است، ممانعتی در آن نیست.

*  و چیزی که با خوشبو معطر شده، نباید از آن بطور لباس احرام کار گرفت؛ زیرا پیامبر ﷺ در حدیثی که ابن عمر رضی الله عنهما روایت می کند، از این منع کردند.

* بر محرم (حاجی در حالت احرام) واجب است که، آمیزش جنسی و گناه و جدال را ترک کند؛ زیرا الله متعال میفرماید: **(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)** [بقره: ۱۹۷]، ترجمه: "حج در ماه های معلوم و معینی است، پس کسی که در این ماه ها حج را (بر خود) فرض گرداند. (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال (روا) نیست." و در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: **«مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»**. ترجمه: "کسی حج کرد و در حج آمیزش جنسی و گناه نکرد، مانند روزیکه از مادرش زاده شده باشد برمیگردد".

ورفت: اطلاقش بر جماع (آمیزش جنسی)، و سخنان و کارهای زشت میشود. و فسوق: گناهان را گویند. و جدال: نزاع و جنجال در سخنان بیهوده و بی اساس، اما نزاع و گفتگو به طریقه خوب و شایسته بخاطر آشکار نمودن حق و رد باطل باکی ندارد بلکه امر به این صورت گرفته؛ الله متعال میفرماید: **(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِّ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)** [نحل: ۱۲۵]، ترجمه: "با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که نیکوتر است، با آنها (بحث و) مناظره کن".

* پوشاندن سر و صورت بواسطه کلاه یا دستار یا دستمال یا چیز های مشابه به آن بر مرد حرام است، بنابر حدیث رسول الله ﷺ در مورد شخصی که روز عرفه از سواری اش افتید و وفات نمود فرمود: **«اغسلوه بماءٍ وسدرٍ، وکفّنوه فی ثوبین، ولا تُخمّروا رأسه و وجهه، فإنه یبعث یومَ القیامةِ ملبّیا»**. ترجمه: "آنها را با آب و سدر غسل دهید، و در دو جامه اش (شلوار و چادر احرام) کفن کنید، و سر و صورت اش را نپوشانید؛ زیرا روز قیامت تلبیه گویان حشر میشود". [روایت بخاری و مسلم، و این لفظ مسلم است].



* و اگر بواسطه سقف موتر یا چتری و امثال آن بالای خود سایه کند باکی ندارد، مانند: با خیمه یا درخت سایه کردن؛ زیرا در حدیث صحیح ثابت است که اثنای رمی جمره عقبه بواسطه ای لباسی بر رسول الله ﷺ سایه کرده شد، و در نمره برایش قبه زده شد، و زیر آن تا زوال شمس روز عرفه نشستند.



* کشتن شکار زمینی یا کمک کردن در قتل آن یا آنرا از جایش گریزانیدن، و این چنین عقد نکاح، و خواستگاری، و آمیزش جنسی، و مقاربت نمودن و دست بازی از روی شهوت، بالای مرد وزن محرم، حرام است؛ بنا بر حدیث عثمان رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يَنْكِحُ الْمُحْرَمُ وَلَا يُنْكَحُ وَلَا يَخْطُبُ» ترجمه: "محرم نه نکاح میکند، و نه کسی دیگر را به نکاح میدهد، و نه خواستگاری میکند". [روایت مسلم].



* و اگر به نادانی یا فراموشی محرم لباس دوخته شده را بپوشد، یا سرش را بپوشاند، یا عطر استعمال کند، فدیة بالایش لازم نمیگردد، و هنگامی که به یادش میاید یا میداند فوراً آنرا دور کند، و این چنین کسی که به نادانی یا فراموشی موی سرش را بتراشد، یا کوتاه کند، یا ناخن اش را بچیند، بنا بر قول راجح علماء چیزی بالایش لازم نمی گردد.



* کشتن شکار زمینی حرم، یا کمک کردن در قتل آن، یا راهنمایی و اشاره کردن بخاطر قتل آن، یا آنرا از جایش گریزانیدن، بر مرد و زن مسلمان خواه محرم باشد یا غیر محرم، حرام است، و این چنین بریدن درخت و گیاه سبز حرم، حرام است، و این چنین برداشتن آنچه در حرم پیدا شود، مگر برای شناسایی صاحب آن، ناروا است.



* رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْبَلَدَ» این سرزمین، -یعنی مکه- «حَرَامٌ بِحُرْمَةِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يُعْضَدُ شَجَرُهُ، وَلَا يُنْفَرُ صَيْدُهُ، وَلَا يُخْتَلَى خَلَاهَا وَلَا تَحِلُّ سَاقِطَتُهَا إِلَّا لِمُنْشِدٍ». ترجمه: "به حرمت الهی تا روز قیامت حرام



است، درخت هایش نباید بریده شود، و شکارهایش نباید فرار داده شود، گیاهانش نباید ریشه کن گردد، و آنچه در آن پیدا شود، برداشتن اش درست نیست مگر برای شناسایی صاحب آن". [رویت بخاری و مسلم].

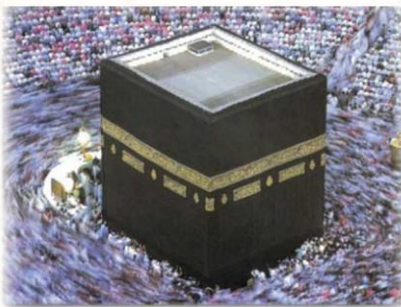
منشد: اعلان کننده، (معرفی کننده آنچه که در حرم پیدا شده). خلا:
علف تازه، گیاه سبز. منی و مزدلفه داخل حدود حرم است، و عرفه بیرون از حرم.

فصل هشتم

در بیان آنچه که حاجی هنگام ورود اش به مکه و بعد از داخل شدن در

مسجد حرام انجام میدهد

محرم وقتی به مکه رسید مستحب است که پیش از داخل شدن غسل کند؛ زیرا



رسول الله ﷺ این کار را انجام دادند، و وقتیکه به مسجد الحرام رسید سنت است که به پای راست داخل شود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِي

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» ترجمه: "به نام الله و درود و سلام به رسول الله، به الله بزرگ و به روی پاکش و به حاکمیت قدیمی (و ازلی) اش پناه می برم از شر شیطان رانده شده و نفرین شده، الهها! دروازه های رحمت را بر من بگشا".

این دعا مخصوص مسجد الحرام نیست بلکه هنگام ورود به هر مسجدی خوانده میشود، و دعای خاصی هنگام داخل شدن به مسجد الحرام ثابت نیست.

و چون به کعبه که رسید قبل از آغاز طواف تلبیه گفتن را بس می کند، و بسوی حجر اسود می رود، بدست راست اش آنرا لمس میکند، و اگر میسر بود می بوسد، ولی باعث اذیت دیگران نمی گردد، و هنگام استلام حجر اسود (بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ)، یا (اللَّهُ أَكْبَرُ) میگوید، اگر بوسیدن برش دشوار بود به لمس کردن با دست یا عصا اکتفا می کند، و چیزی را که با آن حجر اسود را لمس کرده میبوسد، و اگر استلام هم دشوار بود، اشاره می کند و هنگام اشاره (اللَّهُ أَكْبَرُ)

میگوید، و در آنصورت دستش را نمی بوسد. و طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر در طواف شرط است؛ زیرا طواف مانند نماز است، مگر اینکه در آن حرف زدن جایز است. و در اثنای طواف خانه را به سمت چپ خویش قرار میدهد، و اگر در آغاز طوافش این دعا را بخواند: **(اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ)** [السنن الكبرى للبيهقي]، ترجمه: "بار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو (قرآن)، و وفا نمودن به عهد و پیمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو محمد ص شروع می کنم". چون این دعا از رسول الله ﷺ ثابت میباشد. و هفت طواف می کند، هر یکی را از نزد حجر اسود آغاز نموده و به همانجا خاتمه میدهد، و در سه شوط (دور) اول طوافهای عمره و قدوم رمل میکند، و در چهار دیگرش بطور عادی رفتار می کند.

و رمل: عبارت است از اندکی تیز رفتاری با نزدیک گذاشتن قدمها بایکدیگر و

در طواف (عمره و طواف قدوم) اضطباع مستحب است،

واضطباع: عبارت است از برهنه کردن شانه راست، یعنی: میان چادر را زیر شانه

راست قرار دهد و هر دو طرفش را بالای شانه چپ.

اگر در تعداد شوطهای طواف شک کرد بر آنچه متیقن است که آن کمتر آن

عدد میباشد بنا کند، مثلا اگر شک کند که سه طواف کرده یا چهار، آنرا سه حساب

کند، و این چنین در سعی بین صفا و مروه.

و بعد از فارغ شدن از طواف شانه راستش را میپوشاند، و دو رکعت نماز طواف

میخواند.

باید زنها با حجاب باشند و در اماکن عبادت عطر و خوشبو استعمال نکنند:

و از مواردیکه زنها را باید از آن ممانعت کنیم و هشدار دهیم، طواف کردن با کمال زینت و انواع خوشبویها، و بی ستری است، در حالیکه زن همه عورت است، و واجب است که تمام اعضای بدنش را بپوشاند، و در حالت طواف و حالاتی که زنان و مردان نامحرم در یک جا جمع میشوند از اظهار نمودن روی (چهره) و استعمال خوشبوی جدا خود داری کند، زیرا زنان فتنه ای برای مردان هستند، و بزرگترین فتنه در روی زن (زیبایی) است؛ لذا هرگز جایز نیست که رویش را جز محارمش کسی دیگری ببیند؛ زیرا الله متعال میفرماید: **(وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ)** [نور: ۱۳]، ترجمه: "و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان". پس بخاطر بوسیدن حجر اسود درست نیست که در حضور مردها رویش را آشکار نماید، و اگر مجالی برای بوسیدن و لمس کردن حجر اسود برایشان نبود، در میان ازدحام مردها داخل نشوند، بهتر است از اطراف مردها طواف کند، و اجر این بیشتر است که از اینکه از قریب خانه (و در میان ازدحام مردها) طواف کنند.

و غیر از این طواف (طواف عمره و قدوم) در طوافهای دیگر رمل، واضطباع مشروعیت ندارد، و این چنین در سعی و در طواف زنها رمل و اضطباع نیست؛ زیرا رسول الله ﷺ جز در طواف قدوم شان رمل واضطباع نکردند.

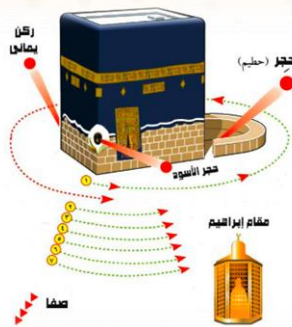
اذکار مخصوصی در سعی و طواف وارد نشده است:

و در حال طواف از حدث و نجاستها پاک باشد، خاشعانه و به نهایت خاکساری و عاجزی طواف را انجام دهد، و مستحب است طوافش را با ذکر و دعا و خوانده قرآن به اتمام برساند. و کدام ذکر مخصوصی یا دعای مخصوصی در این طواف یا طواف های دیگر یا در سعی، واجب (و ثابت) نیست، اما بعضی دعا های را که عده ای

مخصوص هر شوط طواف گردانده اند در دین کدام اصل و اساس ندارد، بلکه هر ذکر و هر دعا را بدون تخصیص میتواند بخواند.

چگونگی سعی و طواف و آداب آن:

و وقتی با برابری رکن یمانی رسید آنرا با دست راست اش لمس کند، و



(بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) بگوید، ولی دستش را نبوسد، و لمس اش دشوار بود بگذارد و طوافش را ادامه دهد، و از دور به دستش اشاره نکند و تکبیر نگوید؛ چون از رسول الله ﷺ ثابت نیست، و بین رکن یمانی و حجر اسود مستحب است که این دعا را بخواند: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۱﴾ [بقره: ۲۰۱]. ترجمه: "پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگهدار!"

و در هر باری که به محاذات حجر اسود میرسد، (الله اکبر) میگوید، و اگر بوسیدن و لمس کردن اش میسر نبود به اشاره اکتفا می کند و تکبیر میگوید. و طواف از عقب چاه زمزم و مقام ابراهیم، باکی ندارد خاصه در اوقات ازدحام، و مسجد الحرام همه محل طواف است، از هر گوشه ی مسجد که طواف کند درست است، ولی هر چه به خانه نزدیکتر باشد در صورت امکان، بهتر است.

و از طواف که فارغ شد دو رکعت نماز طواف را عقب مقام ابراهیم اگر امکان داشت، یا اگر ازدحام بود در هر جای مسجد الحرام که میسر بود، ادا میکند، و سنت این است که در رکعت اولش (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و در رکعت دوم (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را بخواند، و خواندن سورت‌های دیگر هم ایرادی ندارد، سپس در صورت امکان بسوی حجر اسود رفته آنرا با دست راستش لمس می کند، چون پیامبر ﷺ چنین

کردند. و بعد از آن بسوی صفا می‌رود به سر تپه بالا میشود یا در پایانش می ایستد - سر تپه صفا بالا شدن بهتر است اگر امکانش باشد- و در آغاز شوط اول این کلام الهی را به زبان می‌ارد: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [بقره: ۱۵۸]، ترجمه: "همانا (صفا) و (مروه) از شعائر (نشانه های) الله است".

و در صفا رو به قبله ایستاد شدن مستحب است، و حمد و ستایش و بزرگی الله را بیان میکند، و این دعا را میخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، این دعا را سه بار تکرار می کند، سپس دستانش را بلند نموده و هر دعایکه برش میسر بود می کند، سپس از صفا پایان شده بسوی مروه حرکت می کند، و به علم اول (نشانه سبزیست) که رسید تیز رفتاری می کند تا اینکه به علم دوم برسد، اما به زنها تیز رفتاری درست نیست؛ چون آنها عورت اند، بلکه در تمام سعی شان رفتار عادی می کنند، سپس رفته به مروه بالا میشود، یا پایان مروه می ایستد - و بالا شدن بهتر است اگر میسر بود- و دعا های را که در صفا خوانده بود و کاری را که در آنجا انجام داده بود اینجا نیز انجام میدهد،

مگر آیت ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقره: ۱۵۸]، را نمیخواند؛ زیرا خواندن این آیت فقط یک مرتبه و آنهم هنگام بالا شدن به صفا در شوط اول سعی، از پیامبر ﷺ ثابت است، و باید از آنها تابعداری شود، سپس پایان شده بسوی صفا حرکت می کند و در جای تیز رفتاری تیز و در غیر آن به رفتار عادی خویش ادامه میدهد، تا به صفا برسد، به این ترتیب سعی هفتگانه اش را به اتمام میرساند، رفت

۵ قبل از دو نشانه سبز بود که از علمین اخضرین (دو نشانه سبز) گفته میشود، حالا بخاطر سهولت و خدمت بهتر مهمان الله، سقف همه ی آن مسافه با گروههای سبز مزین شده، الله برای خادمین حرمین جزای خیر نصیب کند.

اش یک شوط و باز گشتش شوط دیگر شمرده میشود؛ زیرا رسول الله ﷺ به همین طور انجام دادند، و فرمودند که: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» ترجمه: "اعمال حج تانرا از من بگیرید"، و از مستحبات سعی کثرت ذکر و دعا، و پاک بودن از حدث اکبر و حدث اصغر است، و اگر بدون طهارت سعی کرد، سعی اش درست می باشد، و این چنین اگر به زن بعد از طواف حیض و نفاس پیش آمد، سعی اش درست میشود؛ زیرا در سعی طهارت شرط نیست بلکه مستحب است چنانچه قبلا بیان شد. و وقتی حاجی سعی اش را تمام کرد، موی سرش را میتراشد، یا کوتاه می کند، و به مرد ها تراشیدن بهتر است، و اگر در عمره کوتاه کند و تراشیدن را بخاطر حج بگذارد بهتر است، و این چنین اگر آمدنش به مکه در روزهای نزدیک حج باشد بهتر است کوتاه کند، زیرا رسول الله ﷺ در چهارم ذی الحجه با اصحاب کرام شان وارد مکه شدند، و کسانی را که باخود هدیه نیاورده بودند امر نمودند که موهای شانرا کوتاه کنند و حلال (از احرام خارج) شوند، و آنها را به تراشیدن امر نکردند، ولی در کوتاه کردن باید موی کل سر کوتاه شود، بعضیش کافی نیست، و این چنین در تراشیدن، تراشیدن بعضی سر کافی نیست، اما زنها فقط از نوک موی شان به انداز سر انگشت کوتاه می کنند، بیشتر از آن نمی گیرند، و تراشیدن در حق آنها جواز ندارد.

هنگامی محرم چیزهای مذکوره را انجام داد، عمره اش تمام شد - الحمد لله - و هر آنچه به سبب احرام بالایش حرام گردیده بود برایش حلال شد، مگر اینکه با خود هدیه آورده باشد (یعنی: حج قران را نیت کرده باشد) در احرام اش باقی میماند، تا اینکه از حج و عمره یکجا حلال شود (روز دهم ذی الحجه).

حکم کسی که با خود قربانی دارد و کسی که ندارد:

در حق کسیکه نیت حج افراد یا نیت حج قرآن را کرده باشد سنت این است که آنرا به عمره تبدیل کند، مگر اینکه هدی با خود آورده باشد؛ زیرا رسول الله ﷺ اصحاب کرام شان را به همین چیز امر کردند، و فرمودند: «لَوْلَا أَنِّي سَقْتُ الْهَدْيَ لِأَحَلَلْتُ مَعَكُمْ» ترجمه: "اگر من با خود هدی نمی آوردم با شما خود را حلال میکردم"

احکام زنهای معذور (حایضه و نفساء):

اگر زن بعد نیت احرام حیض یا نفاس دید، طواف وسیعی اش را ترک می کند تا اینکه پاک شود، هرگاه پاک شد طواف وسیعی می کند و موی سرش را کوتاه میکند، و با این کار عمره اش تمام می شود.

و اگر قبل از یوم ترویبه (روز هشتم ذی الحجه) پاک نشد، از همانجای که هست، نیت حج را نموده، با مردم بسوی منی حرکت می کند، و به این شکل حج و عمره اش را یکجا جمع می کند (که حج قرآن نامیده می شود)، و تمام اعمال حج را از وقوف عرفه و مشعر حرام، و جمره زدن، و سپری نمودن شب در مزدلفه و منی، و ذبح هدی (شکرانه) و کوتاه کردن موی، همه را مانند سایر حجاج انجام میدهد، و هرگاه پاک شد، یک طواف و یک سعی به حج و عمره اش می کند، و از هر دویش کافیست (یعنی: به حج و عمره اش به هر یک طواف و سعی جداگانه ضرورت نیست)؛ بنابراین حدیث عایشه رضی الله عنها که بعد از احرامش حیض دید رسول الله ﷺ برایش فرمودند: «أَفْعَلِي مَا يَفْعَلُ الْحَاجُّ غَيْرَ أَنْ لَا تَطُوفِي بِالْبَيْتِ حَتَّى تَطْهُرِي» ترجمه: "هر آنچه حاجی انجام میدهد، انجام ده، مگر تا پاک نشدی طواف خانه را نکن".

اروایت بخاری و مسلم]. هرگاه زن حایض یا نفساء روز دهم جمره را زد و موی سرش را

کوتاه کرد، هر آنچه به سبب احرام بالایش حرام شده بود برش حلال می‌گردد، مانند: خوشبوی و غیره، مگر شوهرش تا اینکه حج اش را تکمیل کند، مانند زنان پاک، آنگاه بعد از پاک شدن و طواف و سعی نمودن، شوهرش برایش حلال می‌گردد.

فصل نهم

در بیان حکم احرام بستن برای حج روز هشتم ذی الحجه و رفتن بسوی منی



روز ترویبه که شد، و آن رزو هشتم ذی الحجه است، مستحب است کسانی که اراده حج دارند - از اهل مکه یا از حجاج کرام که محرم نیستند - از مسکن خویش احرام حج را بسته کنند؛ زیرا اصحاب رسول الله ﷺ در ابطح سکونت کردند، و از همانجا بنا بر امر رسول الله ﷺ روز هشتم احرام بستند، و آنها

را امر نکردند که رفته از خانه کعبه یا از نزد میزاب، احرام ببندند، و این چنین آنها را امر نکردند، که قبل از رفتن بسوی منی طواف کنند، اگر مشروعیت میداشت، رسول الله ﷺ به آنها می گفت، و خیر همه در اتباع و پیروی رسول الله ﷺ و صحابه ﷺ نهفته است. و مستحب است که قبل از احرام بستن به حج، غسل کند، و خود را پاک کند، و خوشبویی استعمال کند، مثلی که در میقات قبل از احرام بستن میکند. و بعد از بستن احرام حج.

چه وقت روانه منی شود؟ وقوف در عرفه و آداب این موقف بزرگ:

سنت است که قبل از زوال یا بعد از زوال روز هشتم تلبیه گویان بسوی منی حرکت کند، و این تلبیه را تا وقت زدن جمره عقبه ادامه دهد، و در منی نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح را میخواند، و سنت است که هر نماز در وقتش و قصر خوانده شود، مگر شام و صبح که قصر نمی شود. و در این مساله هیچ تفاوتی میان اهل مکه و دیگران وجود ندارد؛ چون رسول الله ﷺ در عرفه و مزدلفه و منی

به همه آنها نماز داد، و اهل مکه را امر نکردند که شما نمازتانرا پوره کنید، و اگر اتمام نماز بر آنها واجب میبود حتماً برایشان بیان میکردند.

سپس بعد از طلوع آفتاب روز عرفه، حاجیان از منی بسوی عرفه حرکت می کنند، و سنت است اگر میسر بود در نمره پایان شوند و تا زوال آفتاب آنجا بمانند؛ زیرا رسول الله ﷺ چنین کردند.

بعد از زوال آفتاب برای امام (پادشاه) یا نایب اش سنت است که خطبه ای مناسب حال مردم ارایه کند، و چیزهای را که در این روز و روزهای بعدی حاجی باید انجام دهد، بیان کند، مردم را به توحید و یکتا پرستی الله متعال، و تقوا و پرهیزگاری، و اخلاص در انجام اعمال، بخواهد، و از ارتکاب محرمات بترساند، و مسلمانان را به چنگ زدن به کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ، و فیصله به این دو اصل در تمام امور زندگی وصیت کند؛ بخاطر تحقق یافتن اقتدا و پیروی، از پیامبر ﷺ در همه امور فوق الذکر، و بعد از خطبه نماز ظهر و عصر را جمعا و قصرا (یکجا، و دو رکعتی) در وقت نماز ظهر، به اذان و دو اقامت میخوانند؛ چون رسول الله ﷺ چنین کردند. در حدیث مسلم از جابر ﷺ به همین شکل بیان شده است.

تضرع و عاجزی در روز عرفه و برخی دعاهای آن:

سپس مردم در عرفه وقوف می کنند، و عرفه همه جایش موقوف گاه است جز وادی عُرْنَه، و رو به قبله و جبل رحمة ایستاد شدن مستحب است، اگر رو به هر دو ایستاد شدن دشوار بود، رو به قبله بیستد هرچند که به جبل رحمة رویش نباشد، و مستحب است که اثنای وقوف عرفه حاجی زیاد به ذکر الله و دعا و تضرع به درگاه الله مصروف شود، دستانش را در حال دعا بلند کند و از الله متعال بخواهد، و تلبیه گفتن و قرآن خواندن نیز کار خوبی است، و سنت است که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را زیاد تکرار

کند؛ زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: «خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَأَفْضَلُ مَا قُلْتُ أَنَا وَالنَّبِيُّونَ مِنْ قَبْلِي: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و این چنین در حدیث صحیح از پیامبر ﷺ ثابت است که فرمودند: «محبوبترین جملات نزد الله چهار است»: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ». پس این ذکر را باید به خشوع و حضور قلب زیاد تکرار کند، و این چنین دعا های مسنونه ی دیگر را، خاصه در این مقام و در این روز مهم و بزرگ، بهتر است دعا های جامع و شامل را برگزیند، از آن جمله:

* «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» ترجمه: "پاک و منزّه است الله و

به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است الله بزرگ."

* «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» [انبیاء: ۸۷]، ترجمه:

"(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزّه‌ای! بی گمان من از ستمکاران بودم!"

* «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» ترجمه: "غیر از او معبودی

نیست فقط او را میپرستیم، نعمت و فضل از او و ستایش زیبا از آن اوست، غیر از او معبودی نیست، ما خالصانه او را می پرستیم گرچه کافران را خوش نیاید."

* «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ترجمه: "هیچ توانایی و قدرتی برای دوری از گناه

و پایداری بر فرمان الله نیست، مگر با کمک و یاری الله متعال."

* «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» [البقره:

۲۰۱]. ترجمه: "پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب جهنم نجات بده".

* «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا

مَعَايِشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ،

وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ». ترجمه: "یا الله! دینم را که نگهدارنده‌ی

من از بدی هاست و دنیایم را که زندگانی‌ام در آن است و آخرتم را که

بازگشتم به سوی آن می‌باشد، اصلاح بفرما و زندگی را برای من موجب

افزایش کارهای نیک قرار بده و مرگ را برای من مایه‌ی راحتی و رهایی از

همه بدی‌ها بگردان".

* «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ».

ترجمه: "از گرفتاری طاق‌فرسا و سختی بلا، (و نیز از) نگون‌بختی، سرنوشت

بد (یا قضاوت نادرست از سوی خود) و شادکامی دشمنان به الله پناه

می‌برم".

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَ مِنَ الْجُبْنِ

وَالْبُخْلِ، وَ مِنَ الْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ، وَ مِنَ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَقَهْرِ الرِّجَالِ، أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ

مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَمِنَ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ». ترجمه: "یا الله! من از غم و

اندوه، و از ناتوانی و تنبلی، و از ترس و بخیلی، و از گناه و بدهکاری، و از

سنگینی بدهی (قرض) و از خشم و ستم دیگران بر من، به تو پناه می‌برم، یا

الله! من از پیسی، جنون، جذام و بیماری‌های سخت به تو پناه می‌برم".

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». ترجمه: "یا الله! عفو و

عافیت دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم".

* «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي» ترجمه: "یا الله!

عفو و عافیت دین و دنیا و خانواده و مالم را از تو می‌خواهم".

* «اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، وَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ

يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي»

ترجمه: "یا الله! عیوبم را بپوشان، و ترسم را به ایمنی تبدیل کن. یا الله! مرا از

جلو و پشت و راست و چپ و بالا محافظت کن و از اینکه - از پایین - به

بلایی ناگهانی مبتلا شوم به تو پناه می‌برم".

* «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي»

ترجمه: "یعنی: یا الله! اشتباه‌هایم را و ندانستنی‌هایم را و نیز زیاده روی‌ام در

کارها و آنچه را که تو بهتر از من می‌دانی، بیامرزش".

* «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي، وَخَطِيئَةَ وَعَمْدِي، وَكُلَّ ذَلِكَ عِنْدِي» ترجمه:

"یا الله! گناهانی را که به جدی، شوخی و به خطا و عمد انجام داده‌ام،

بیخشای؛ و خود معترفم که همه این نوع گناهان در من وجود دارد".

* «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ

بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ترجمه: "یا الله!

از گناهانم که آثارش همانجا تمام شده و گناهانم که آثارش تا بعد از مرگم

باقی می‌ماند (و منتشر می‌شود)، گناهان پنهان و آشکارم و آنچه که تو از

من به آن داناتری درگذر یا الله! این تویی - که هرکس را بخواهی به سوی

کارهای نیک و بهشت - به پیش میبری و - هرکس را بخواهی از کارهای

نیک و بهشت - عقب می‌اندازی و تو بر هر کاری توانایی".

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَأَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرُّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ

نِعْمَتِكَ، وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ لِسَانًا صَادِقًا، وَقَلْبًا سَلِيمًا، وَأَعُوذُ بِكَ

مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ ، وَاسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» ترجمه: "الهی از تو ثبات در کار و آهنگ و اراده آگاهانه و خردمندانه را مسلت دارم، و از تو سپاسگزاری نعمت و حسن عبادتت و قلب سالم از اندیشه های بد و زبان راستگو و بهترین چیزی که میدانی به تو پناه میبرم و از آنچه که (من در آن کوتاهی کرده ام) از تو استغفار می طلبم."

* «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي ، وَأَذْهَبْ غَيْظَ قَلْبِي ، وَأَجِرْنِي مِنْ مُضْلَاتِ الْفِتَنِ مَا أَبْقَيْتَنِي» ترجمه: "ای پروردگار محمد! گناهم را ببخش و خشمم را دور کن و از فتنه ها نجاتم ده مادامی که من را زنده نگه میداری."

* «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالْتَوَى، وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ» ترجمه: "الها! ای پروردگار آسمانها و زمین ای پروردگار عرش عظیم ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز ای شکافنده دانه و هسته، ای نازل کننده تورات و انجیل و فرقان؛ به تو پناه میبرم از شر تمام موجودات که پیشانیشان در دست توست. الها! تو اول هستی و قبل از تو چیزی نبوده و تو آخر هستی و بعد از تو چیزی وجود ندارد و تو ظاهر هستی و بالای تو چیزی نیست و تو باطن هستی و چیزی از تو مخفی نیست از من قرضم را برطرف کن و از فقر بی نیازم گردان"

* «اللَّهُمَّ أَعْطِ نُفُوسَنَا تَقْوَاهَا، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» ترجمه: "یا الله! به نفسهای ما تقوایش را عنایت کن و آن را پاک بگردان که تو بهترین کسی هستی که آن را پاک می گردانی؛ تو، یاور و مالک و کارساز آن هستی، یا الله! از ناتوانی، تنبلی، بزدلی، بخل، پیری و از عذاب قبر به تو پناه می برم."

* «اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ خَاصَمْتُ، وَبِكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» ترجمه: "یا الله! تسلیم تو شدم، به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل کردم، به کمک تو با دشمنان مبارزه کردم، و تو را داور قرار دادم. از گناهانم که آثارش همان جا تمام شده و گناهانم که آثارش تا بعد از مرگم باقی می ماند، (و منتشر می شود) گناهان پنهان و آشکارم و آنچه که تو از من به آن داناتری درگذر. معبود راستینی جز تو وجود ندارد."

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا.» ترجمه: "یا الله! از علم بی ثمر و بی سود و از قلبی که خشوع ندارد و از نفس حریصی که سیر نمی شود و از دعایی که پذیرفته نمی گردد، به تو پناه می برم."

* «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ» ترجمه: "یا الله! من را از اخلاق و کردار ناپسند و از امیال نفسانی و باورهای نادرست نگهدار."

* «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي» ترجمه: "پروردگارا! رشد و

هوشیاری را به من الهام کن و مرا از گزند خویشتم در پناه گیر."

* «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ» ترجمه:

"پروردگارا! حلالیت را مورد کفایتم قرار ده تا به حرام نیازم نیفتد، و به فضل

خودت مرا از هرکس دیگری بی نیاز فرما."

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتُّقَىٰ، وَالْعَفَافَ وَالْغِنَىٰ» ترجمه: "پروردگارا، من از

تو هدایت، تقوا، پاکی (از حرام) و بی نیازی می خواهم."

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالسَّادَاتِ» ترجمه: "یا الله! از تو هدایت و پایداری در

راه حق (و عمل درست که مبتنی بر سنت است) را درخواست می کنم."

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

ترجمه: "یا الله! همه‌ی خوبی‌ها را - آنچه زود می آید و آنچه دیر، آنچه

می دانم و آنچه را نمی دانم - از تو خواستارم. و از همه‌ی بدی‌ها - آنچه زود

می آید و آنچه دیر، آنچه می دانم و آنچه را نمی دانم - به تو پناه می برم. یا

الله! بهترین چیزی را که بنده و پیامبرت - محمد- از تو درخواست کرده

است، من نیز خواهانم. و از شر آنچه که بنده و پیامبرت از آن به تو پناه آوردم،

من نیز پناه می خواهم."

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ

وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا»

ترجمه: "یا الله! من بهشت را و گفتار و کرداری که باعث نزدیک شدن به آن

است، را از تو می خواهم و از دوزخ و گفتار و کرداری که باعث نزدیک شدن

به آن است، به تو پناه می‌آورم. و از تو می‌خواهم همه‌ی تقدیرات مرا در جهت خیر مقدر نمایی."

* «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ترجمه: "هیچ کس شایسته پرستش جز الله نیست، یگانه است و شریک ندارد، پادشاهی از آن اوست، و حمد و ستایش او راست، زنده می‌کند و میمیراند، خیر در دست اوست، و او بر همه چیز تواناست، پاک و منزّه است الله، و حمد و ستایش مر او راست، و جز او هیچ شایسته پرستش نیست، و الله از همه چیز بزرگ است، و هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست."

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. ترجمه: "یا الله! بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست، چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی. همانا تو ستایش شده و بزرگواری. یا الله! بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت فرستادی. همانا تو ستایش شده و بزرگواری."

* رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. [البقره: ۲۰۱]

"پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب جهنم نجات بده."

و مستحب است که حاجی در این روز دعا ها و اذکار مذکور و دعا های دیگری را که به همین معنا است زیاد تکرار کند، و بر رسول الله ﷺ درود بفرستد، و در دعایش اصرار ورزد و خیر دنیا و آخرت را از پروردگارش بطلبد.

رسول الله ﷺ هرگاه دعا میکردند، دعا را سه مرتبه تکرار مینمودند، باید از پیامبر ﷺ در این کار پیروی صورت گیرد.

باید مسلمان در این وقف در مقابل پروردگارش نهایت محبت، فروتنی، شکسته حال بوده از مغفرت و رحمت او امید داشته باشد و از عذاب عقابش بترسد و نفس خود را محاسبه کرده و به توبه نصوح پردازد، زیرا این روز روزی بسیار بزرگ است، در این روز الله تعالی بر بندگانش جود و سخا می کند و با بندگانش بالای فرشتگان فخر میکند و افراد زیادی را در این روز از دوزخ رهایی می بخشد، در این روز شیطان بسیار حقیر، ذلیل و خوار و زبون می شود چنانکه در روز بدر حقیر دیده شد، این بخاطری است که او رحمت و مغفرت الله تعالی را که بر مسلمانان سرازیر میشود مشاهده می کند همچنان آزادی از دوزخ را.

روز عرفه روز نجات از دوزخ است:

در صحیح مسلم از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«ما من یوم أكثر من أن یعتق الله فیهِ عبداً من النار، من یوم عرفه، وإنه لیدنو، ثم یباهی بهم الملائكة، فیقول: ما أراد هؤلاء؟» ترجمه: "هیچ روز به اندازه روز عرفه، الله متعال زنان و مردان را از آتش (عذاب خود) نجات نمی دهد و او (در آن روز با رحمتش بیشتر از روز های دیگر به بندگانش) نزدیک میشود و به وسیله آنها بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید: این بندگان چه میخواهند (تا به آنها ببخشم)؟".

بناءً می‌سزد که مسلمانان (در این روزها بیشتر) اعمال خیر انجام دهند، و دشمنان شان (شیطان) را با کثرت ذکر و اذکار، دعاء، ملازمت توبه، و استغفار و بخشش از گناهان خوار و ذلیل سازند.

حجاج کرام در این موقف (عرفه) تا غروب آفتاب مشغول ذکر و دعا و تضرع و بندگی می‌باشند، و بعد از غروب آفتاب با آرامی و سکینه وارد مزدلفه می‌شوند و بسیار زیاد تلبیه می‌گویند، و پیش از غروب آفتاب بازگشت از عرفات به سوی مزدلفه جایز نیست؛ زیرا رسول الله ﷺ تا غروب آفتاب وقوف کردند و فرمودند: (روش) اعمال حج تان را از من یاد بگیرید."

و هنگامی به مزدلفه رسیدند میان نماز مغرب و عشاء جمع میکنند، مغرب را سه رکعت و عشاء را چهار رکعت به یک اذان و دو اقامت می‌خوانند؛ زیرا این عمل از خود رسول الله ﷺ ثابت است، برابر است به مزدلفه در وقت مغرب برسند یا در وقت نماز عشاء.

و این عمل برخی عوام الناس که هنگام رسیدن به مزدلفه سنگریزه‌ها را می‌چینند، غلط و نادرست است. پیامبر ﷺ هنگام برگشت از مشعر الحرام بسوی منی دستور دادند که سنگریزه‌ها برای شان چیده شوند، سنگریزه‌ها را از هر جایی که چینه شود جایز است، سنت است که باید در این روز هفت سنگریزه چیده شود تا جمره عقبه زده شود، در باقی روزها هر روز ۲۱ سنگریزه از منی چیده جمرات را می‌زند.

شستن سنگریزه‌ها مستحب نیست بلکه بدون شستن پرتاب کرده می‌شوند؛ زیرا این عمل از رسول الله ﷺ به اثبات نرسیده است، و سنگریزه پرتاب شده دوباره بکار برده نمی‌شود.

سپری نمودن شب در مزدلفه و جواز رفتن ضعیفان، زنان کودکان بعد از نیم شب

بسوی منی:

حجاج کرام این شب را در مزدلفه سپری می کنند، و برای ضعیفان اعم زنان و کودکان جایز است که در پاس اخیر شب روانه منی شوند. چنانچه در حدیث عایشه و ام سلمه آمده است. علاوه از این ها دیگر حجاج باید نماز فجر را آنجا خوانده در مشعر الحرام وقوف کنند و رو به قبله نموده مشغول ذکر، دعا، تکبیر و تهلیل باشند تا آنکه روز خوب روشن گردد، و هنگام دعا کردن در این مقام رفع یدین مستحب است، و در هرجایی از مزدلفه وقوف کنند کفایت می کند، نزدیک شدن و یا بالا رفتن بر مشعر الحرام واجب نیست، زیرا رسول الله ﷺ فرموده اند: «وَقَفْتُ هَهُنَا - **یعنی علی المشر - وَجَمَعْتُ كُلَّهَا مَوْقِفٌ**» ترجمه: "من این جا توقف کردم؛ و تمام (جمع) (مزدلفه) موقف است." [روایت مسلم].

بعد از روشن شدن روز به منی رفته جمره عقبه را پرتاب و قربانی اش را ذبح میکند

و سرش را تراشیده بسوی مکه رفته طواف حج را انجام می دهد:

و بعد از خوب روشن شدن روز و پیش از طلوع آفتاب روانه منی می شوند و در مسیر راه زیاد تلبیه میگویند و چون به وادی محسر رسیدند مستحب است که اندک تیز رفتار کنند. و به مجرد رسیدن به منی در نزد جمره عقبه تلبیه را قطع نموده هفت جمره را پی در پی پرتاب می کنند و با پرتاب هر جمره تکبیر میگویند. و مستحب است که کعبه را از سمت چپ و منی را از سمت راست خود قرار داده سنگریزه ها را از وسط وادی پرتاب کند، چون این عمل از رسول الله ﷺ ثابت است، و از دیگر جوانب نیز کفایت میکند بشرطی که جمره در پرتابگاه بیفتد، و باقی ماندش در پرتاب گاه شرط نیست بلکه شرط این است که جمره در پرتابگاه اصابت

کند، اگر جمره در پرتابگاه اصابت کرده به زیر بیفتد کفایت می کند. جمره ها باید به اندازه سنگریزه های خورد باشد که از نخود اندک کلان می باشد.

بعد از آن قربانی خود را رو به قبله کرده نحر یا ذبح می کند و مستحب است که

این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ»

سنت است که شتر را ایستاده کرده دست چپش را بسته نحر شود و گاو و گوسفند با پهلوی چپ خوابانیده ذبح شود، اگر بغیر سمت قبله ذبح شود ترک سنت لازم می آید ولی ذبحش می شود؛ زیرا رو به قبله گردانیدن حیوان هنگام ذبح سنت است نه واجب، و از قربانی خود خوردن، هدیه کردن و صدقه دادن مستحب است؛ چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ [الحج: ۲۸] ترجمه: "پس از (گوشت) آن بخورید، و بی نوای فقیر را (نیز) اطعام کنید".

وقت ذبح تا روز سوم ایام تشریق است:

و وقت ذبح تا روز سوم ایام تشریق میباشد؛ گویا مدت ذبح چهار روز است، روز نحر و سه روز بعد از آن، و بعد از نحر و ذبح قربانی موی سرش را میتراشد یا کوتاه می کند ولی تراشیدن بهتر است؛ زیرا رسول الله ﷺ سه بار در حق محلقین دعای مغفرت و رحمت کردند و برای مقصرین تنها یک بار، اما کوتاه کردن برخی موی سر کفایت نمی کند، بلکه باید یا کلش کوتاه شود یا تراشیده شود. اما زن به اندازه سر انگشت یا کمتر از آن مویش را کم می کند.

و بعد از رمی جمره عقبه و حلق و تقصیر هر آنچه برای محرم حرام شده بود حلال میگردد بجز زنش، و این را تحلل اول میگویند، بعد از این خوشبو زدن، طواف اضافه کردن و دیگر امور برایش مباح میگردد، چنانچه در حدیث عایشه رضی الله عنها آمده، او میگوید: «كُنْتُ أُطِيبُ رَسُولَ ﷺ لِإِحْرَامِهِ قَبْلَ أَنْ يُحْرَمَ، وَلِحَلِّهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ». [متفق علیه] ترجمه: "من رسول الله ﷺ را پیش از احرام و نیز هنگام

خارج شدن از احرام قبل از طواف خانه (کعبه) خوشبویی میزدند". این طواف را طواف افاضه و طواف زیارت میگویند، و این رکنی از ارکان حج است، حج بدون این تکمیل نمی شود، و مراد از این آیه همین است: **(ثُمَّ يَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾)** [الحج: ٢٩] ترجمه: "سپس باید آلودگی های شان را برطرف سازند، و به نذر های خود وفا کنند، و (برگرد) خانه کهن (کعبه) طواف کنند".

یک سعی برای حج و عمره حاجی متمتع کفایت نمی کند:

سپس بعد از طواف و خواندن دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم، اگر متمتع باشد میان صفا و مروه سعی می کند، این سعی عمره اش است و سعی اول از حش میباشد. بنابر قول صحیح علماء یک سعی کفایت نمیکند؛ زیرا در حدیث عایشه رضی الله عنها آمده او میگوید: در حجة الوداع با پیغمبر صلی الله علیه و آله عازم مکه شدیم، در ادامه همین حدیث آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: **«مَنْ كَانَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيَهْلِلْ بِالْحَجِّ مَعَ الْعُمْرَةِ، ثُمَّ لَا يَحِلُّ حَتَّى يَحِلَّ مِنْهُمَا جَمِيعًا»** **إِلَى أَنْ قَالَتْ: «فَطَافَ الَّذِينَ أَهَلُّوا بِالْعُمْرَةِ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ حَلُّوا، ثُمَّ طَافُوا طَوَافًا آخَرَ بَعْدَ أَنْ رَجَعُوا مِنْ مَنَى لِحَجَّتِهِمْ»**. [رواه البخاری و مسلم]. ترجمه: "کسانی که هدی همراه دارند، احرام به حج و عمره بگیرند و تا زمانی که تمام مناسک مربوط به حج و عمره را انجام ندهند نباید از احرام خارج شوند، عایشه رضی الله عنها میگوید: کسانی که احرام به عمره بسته بودند قبل از رفتن به عرفه بیت را طواف نمودند و سعی بین صفا و مروه را انجام دادند، و از احرام خارج شدند و وقتی که از منی به مکه برگشتند یک طواف دیگر برای حج شان انجام دادند".

و مطلب این فرموده عایشه رضی الله عنها: **(ثُمَّ طَافُوا طَوَافًا آخَرَ بَعْدَ أَنْ رَجَعُوا مِنْ مَنَىٰ حَجَّهِمْ)** طواف میان صفا و مروه است، بنابر صحیح ترین اقوال علماء در تفسیر و تشریح این حدیث، اما کسی میگوید که مراد از این طواف افاضه است درست نیست؛ زیرا طواف افاضه رکنی از ارکان حج است که همه آن را انجام میدهند، بلکه مراد از این، طوافی است که مخصوص حاجی متمتع بوده و او بار دوم بعد از برگشت از منی برای تکمیل حج خود انجام میدهد، این مسئله واضح است - الحمد لله - و این دیدگاه اکثر علماء است، و حدیثی که امام بخاری آن را تعلیقا از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده بر صحت این مسئله مهر تأیید می زند، از ابن عباس در مورد متعه حج پرسیده شد، فرمود: **«أَهْلَ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ وَأَزْوَاجَ النَّبِيِّ ﷺ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَأَهْلَلْنَا فَلَمَّا قَدِمْنَا مَكَّةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اجْعَلُوا إِهْلَالَكُمْ بِالْحَجِّ عُمْرَةً إِلَّا مَنْ قَلَّدَ الْهَدْيَ فَطَفْنَا بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرُورَةَ وَأَتَيْنَا النِّسَاءَ وَلَبِسْنَا الثِّيَابَ وَقَالَ: مَنْ قَلَّدَ الْهَدْيَ فَإِنَّهُ لَا يَجِلُّ لَهُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ثُمَّ أَمَرْنَا عَشِيَّةَ التَّرْوِيَةِ أَنْ نُهَلَّ بِالْحَجِّ فَإِذَا فَرَعْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ جِئْنَا فَطَفْنَا بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرُورَةَ»**. ترجمه: "تمام مهاجرین و انصار و زن های رسول الله ﷺ در حجة الوداع احرام بسته و لبیک گفتند، و ما هم احرام بستیم و لبیک گفتیم، و چون وارد مکه شدیم، رسول الله ﷺ به ما گفتند: همه شما احرام تان برای حج را احرام برای عمره قرار دهید مگر آن کسی که با خود هدی و قربانی به همراه آورده باشد، ما دور خانه الله طواف نمودیم، و سعی بین صفا و مروه کردیم، و سپس نزد زنهای خود رفتیم و لباس های خود را در تن نمودیم و رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که با خود آورده است از احرام بیرون نشود تا وقتی که هدی به جای خودش برسد. و پس رسول الله ﷺ در شامگاه روز اول ترویبه ما را امر نمود که احرام باری حج ببندیم. و لبیک بگوییم. و چون از مناسک حج فارغ شدیم، به مکه آمدیم، و طواف بیت الله را کردیم و سعی بین صفا

و مروه را نمودیم". مطلب به پایان رسید، و این حدیث به وضاحت می‌رساند که متمتع دو بار سعی میکند. والله اعلم.

اما حدیثی را که امام مسلم از جابر روایت کرده و در آن آمده: **(لَمْ يَطْفِ النَّبِيُّ ﷺ وَلَا أَصْحَابُهُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ إِلَّا طَوَافًا وَاحِدًا)** ترجمه: "رسول الله ﷺ و اصحاب شان میان صفا و مروه تنها طواف اول را انجام دادند" این حدیث محمول بر کسی است که قربانی با خود داشته؛ زیرا صحابه کرام در احرام با نبی اکرم ﷺ باقی ماندند تا آنکه از حج و عمره از هر دو یکجا حلال شدند. و خود رسول الله ﷺ نیت حج و عمره هر دو را باید کند و تا زمانی که از هر دو حلال نشود از احرام بیرون نیاید، اما قارن تنها یک سعی می‌کند چنانچه حدیث جابر که قبلاً ذکر گردید و دیگر احادیث صحیح بر این امر دلالت دارند.

همچنان کسی که احرام حج افراد را می‌کند و تا روز نحر در احرام خود باقی می‌ماند تنها یک سعی بالای او لازم است، پس هرگاه حاجی قارن و مفرد بعد از طواف قدوم سعی می‌کنند دیگر نیاز به سعی بعد از طواف افزای نیست، این چنین میان حدیث عایشه، ابن عباس و جابر جمع صورت می‌گیرد و تعارض برداشته می‌شود و به تمام احادیث عمل میشود. آنچه این جمع و تطبیق را تأیید می‌کند این است، که حدیث عایشه و ابن عباس هر دو صحیح اند، و سعی ثانی را در حق متمتع به اثبات رسانده اند و ظاهر حدیث جابر این مطلب را نفی می‌کند، بناء باید گفت: مثبت بر نافی مقدم است چنانچه این مطلب در علم اصول فقه و اصول حدیث ذکر گردیده. الله تعالی توفیق دهنده به راه راست است.

فصل دهم

در بیان افضلیت اعمالی که حجاج کرام در روز نحر انجام میدهند.

بهتر است که حاجی در روز نحر همان چهار اموری که قبلاً ذکر گردید را منظم و مرتب انجام دهد، نخست جمره عقبه را بزند، باز نحر کند، سپس موی سرش کوتاه کند یا بتراشد و در اخیر طواف بیت الله را انجام دهد، و بعد از آن سعی کند اگر حاجی متمتع باشد. همچنان اگر حاجی مفرد و قارن با طواف قدم سعی نکرده باشند، سعی بالای شان واجب است. و اگر برخی این امور را بر برخی دیگر تقدیم کند اشکالی ندارد و این شاء الله حجت صحیح می شود؛ چون رسول الله ﷺ رخصت داده اند، تقدیم سعی بر طواف نیز در این شامل است؛ زیرا آن از جمله اموری است که روز عید انجام داده میشود، بناء در قول صحابی داخل است، و در آن روز در مورد تقدیم و تأخیر هر چیزی که پرسان می شدند می فرمودند: **(افْعَلْ وَلَا حَرَجَ)** ترجمه: "انجام ده، هیچ اشکالی ندارد".

امام ابو داوود از اسامه بن شریک حدیثی را نقل کرده که از رسول الله ﷺ در مورد کسی که پیش از طواف سعی می کند پرسیده شد، ایشان فرمودند: اشکالی ندارد. پس باید گفت که بدون شک طواف در این عموم داخل است. اموری که به انجام دادن آن حاجی کاملاً حلال میگردد. سه چیز است. زدن جمره عقبه، کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر و طواف افاضه و سعی بعد از آن، هرگاه این سه امور را انجام داد همه چیز اعم از خوشبو، نزدیکی با زن و دیگر امور برایش حلال میگردد، و هر که دو تای آنها را انجام داد جز نزدیکی با زن همه چیز که توسط احرام بالایش حرام گردیده بود حلال می گردد و این را تحلل اول می نامند.

فضیلت آب زم زم و نوشیدن از آن:

نوشیدن از آب زم زم و سیر کردن از آن و دعاد کردن در نزد آن برای حاجی مستحب است، آب زم زم به هر نیتی که نوشیده شود برای آن است، در صحیح مسلم (۲۴۷۳) از رسول الله ﷺ ثابت است که فرمودند: **(إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ إِنَّهَا طَعَامٌ طُعِيمٌ)** ترجمه: "آب زم زم مبارک است، همانا آن طعامی است که سیری می آورد." و در مجمع الزوائد افزوده: **(وَشِفَاءٌ سُقِيمٌ)** ترجمه: "شفای هر بیماری است."

چگونگی و آداب رمی جمرات:

بعد از طواف افاضه و سعی حجاج کرام به منی برگشته سه شبانه روز آنجا اقامت می‌گزینند و هر روز بعد از زوال آفتاب جمرات را با ترتیب پرتاب می‌کنند؛ ترتیب در رمی جمرات واجب است.

* نخست از جمره اولی آغاز می‌کند: - جمره اولی نزدیک مسجد (خیف) است آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم پرتاب می‌کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر می‌گوید، و سنت است که کمی عقب رفته جمره را در سمت چپ خود قرار داده و رو به قبله نموده و دست‌ها را بلند کرده، دعاء و نیایش و تضرع کند.

* سپس جمره وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آن را رمی می‌کند، و با هر پرتابی تکبیر گفته، سپس کمی از ازدحام دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می‌کند.

* سپس به سوی جمره عقبه رفته و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با هر پرتابی تکبیر می‌گوید، ولی در این جا نه دعا می‌کند و نه ایستاده می‌شود بلکه بسوی اقامتگاه خود بر می‌گردد.

جواز تعجیل بعد از رمی جمرات در روز دوم ایام تشریق و فضیلت تأخیر تا روز

سوم:

سپس باید در روز دوم ایام تشریق (۱۲) بعد از زوال آفتاب چنانکه در روز اول انجام شد جمره های سه گانه را رمی کند. رمی در دو روز اول ایام تشریق از واجبات حج است همچنان شب گذراندن در منی در شب اول و دوم مگر بر ساقیان و راعیان و امثال ایشان واجب نیست. سپس بعد از رمی در این دو روز اگر کسی عجله داشته باشد جایز است که قبل از غروب آفتاب روز (۱۲) از منی خارج شود و اگر تأخیر کرد و شب (۱۳) را در منی مانده و بعد از زوال آفتاب جمره های سه گانه را چنانکه گذشت رمی کرده بر گردد، بهتر و ثوابش بزرگتر است. الله تعالی میفرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾ [البقره: ۲۰۳] ترجمه: "و الله را در روز های معین و شمرده (که سه روز ایام تشریق، ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذیحجه است) یاد کنید. پس کسی که شتاب کند؛ و در دو روز (اعمال را انجام دهد) گناهی بر او نیست. و کسی که تأخیر کند (و اعمال را در سه روز انجام دهد) گناهی بر او نیست. (این رخصت) برای کسی که تقوا پیشه کند."

دیگر این که پیامبر ﷺ اجازه تعجیل را دادند اما خود شان تعجیل نکردند بلکه در منی اقامت گزیدند و روز سوم (۱۳) بعد از زوال آفتاب جمرات را پرتاب کرده و پیش از نماز ظهر از آنجا کوچ کردند.

رمی جمرات از طرف کودکان، مریضان، عاجزان و زنان حامله جایز است:

برای اولیای دختران و پسران کوچک و عاجز و ناتوان مجاز است. که بعد از پرتاب کردن جمرات از جانب خود، از طرف آنها نیز جمرات را پرتاب کنند. چنانچه

در حدیث جابر آمده او میگوید: «حَجَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعَنَا النِّسَاءُ وَالصَّبِيَّانُ، فَلَبَّيْنَا عَنِ الصَّبِيَّانِ، وَرَمَيْنَا عَنْهُمْ». [أخرجه ابن ماجه].

برای وکیل جایز است که در یک موقف هم از جانب خود و هم از جانب موکل خود رمی کند:

و برای عاجزان کلان سالان و کسانی که توان رمی را ندارند مجاز است که کسی دیگر را وکیل خود مقرر کنند تا او به نیابتش جمرات را پرتاب کند؛ زیرا الله تعالی میفرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ [التغابن: ۱۶]. ترجمه: "به اندازه توان تان از الله بترسید".

چون این ها هنگام رمی جمرات توان مزاحمت مردم را ندارند و زمان رمی نیز پایان می یابد و قضایی آورده نمی شود بناءً توکیل (وکیل گرفتن) برای شان مجاز است، برخلاف دیگر مناسک، زیرا برای هیچ محرمی روا نیست که کسی دیگر را از جانب خود نایب مقرر کند، هر چند حش حج نفلی هم باشد؛ زیرا کسی که احرام حج یا عمره را بست اتمامش لازم می شود، هر چند حج و عمره اش نفلی هم باشد، زیرا الله تعالی میفرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ [البقره: ۱۹۶]. ترجمه: "و حج و عمره را برای الله به اتمام برسانید".

و زمان طواف و سعی فوت نمی شود بر عکس زمان رمی.

اما وقوف در عرفه و مبيت در مزدلفه و منی بدون شك زمانش می گذرد ولیکن عاجز به این موارد رسیدگی کرده می تواند هر چند با مشقت هم باشد بر خلاف رمی، دیگر اینکه در نایب گرفتن در رمی از سلف صالحین در حق معذور نصوص وارد شده است بر خلاف دیگر امور.

باید گفت که عبادات توقیفی اند، برای هیچ کس مجال نیست که چیزی را بدون دلیل مشروع گردانند، و برای نایب جایز است که در یک جا ایستاده نخست جمره های خود را پرتاب کند و سپس از مُستنیبش راه این طور نمی شود که

نخست جمره های خود را پرتاب نماید و باز برگشته جمره های مستنیش را پرتاب کند و - قول راجح همین است - زیرا دلیلی در این مورد وارد نشده و دیگر اینکه این یک نوع مشقت و حرج در دین است، الله تعالی می فرماید: **(وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ)** [الحج: ۷۸]. ترجمه: "و در دین برای شما هیچ سختی (و تنگنایی) قرار نداد".

و رسول الله ﷺ فرموده اند: **(يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا)** ترجمه: "آسانی بیاورید سختی نیاورید" دیگر این که این مطلب از اصحاب پیامبر ﷺ نقل نشده هنگامی که از طرف کودکان و عاجزان جمره ها را پرتاب کردند، اگر چیزی می بود حتماً به ما نقل میکردند؛ زیرا ایشان در نقل و رساندن دین نهایت حریص بودند و همت عالی داشتند. والله اعلم.

فصل یازدهم

در بیان وجوب دم بر حاجی متمتع و قارن

حاجی متمتع و قارن اگر از ساکنان مسجد الحرام (و اطراف آن) نباشد بلائیش دم واجب نیست، یک گوسفند، هفتم حصه شتر یا هفتم حصه گاو، و باید از مال حلال و کسب پاک باشد؛ زیرا الله تعالی پاک است و جز پاک را نمی پذیرد. باید مسلمان از گداگری و دست درازی پیش دیگران برای فراهم کردن قربانی جداً خود داری کند، اگر الله تعالی مالی را برای او ارزانی کرده باید آنرا قربانی کند و از دیگران مستغنی شود؛ زیرا احادیث زیادی در مذمت گداگری و مدح توصیف تعفف و استغناء و بی نیاز آمده است.

اگر حاجی متمتع و قارن توان قربانی را نداشت، باید سه روز در ایام حج و هفت روز بعد از بازگشت بسوی خانواده اش روزه بگیرد، او اختیار دارد که این سه روز را پیش از یوم نحر روزه می گیرد یا در ایام تشریق، الله تعالی میفرماید: ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتَ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ [البقره: ۱۹۶]. ترجمه: "هر کس از عمره بهره مند گردد؛ سپس (اعمال) حج را آغاز کند، آنچه از قربانی (برای او) میسر شد (ذبح می کند) و هر کس نیافت سه روز در (ایام) حج و هفت روز هنگامی که باز گشتید روزه بگیرید. این ده (روز) کامل است، این (حکم) برای کسی است که خانواده او ساکن مسجد الحرام (مکه و اطراف آن) نباشد".

در صحیح بخاری از عایشه و ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که میگویند: «لَمْ يُرَخَّصْ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ أَنْ يُصْمَنَ إِلَّا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ» ترجمه: "به هیچکس،

اجازه داده نشد که در ایام تشریق، روزه بگیرد. مگر کسی که هدی (شکرانه حج) نداشته باشد." این حدیث حکم حدیث مرفوع را دارد.

بهتر است که این سه روز را پیش از روز عرفه روز بگیرد تا روز عرفه را بدون روزه سپری کند؛ زیرا رسول الله ﷺ در روز عرفه بدون روزه وقوف کردند و از روزه گرفتن روز عرفه در عرفات منع نمودند، دیگر این که روزه نگرفتن سبب چستی و چالاکی در ذکر و دعاء در این روز می شود.

روزه گرفتن این روزها پی در پی یا متفرق جایز است، همچنان هفت روز دیگر را میشود که پی در پی یا متفرق روزه گرفت؛ زیرا نه الله تعالی تتابع را شرط گذاشته و نه از پیامبر ﷺ به اثبات رسیده، و بهتر است که روزه هفت روز را تا حین برگشت بسوی خانواده اش به تعویق اندازد، زیرا الله تعالی می فرماید: (وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ) [البقره: ۱۹۶] ترجمه: "و هفت روز هنگامی که باز گشتید روزه بگیرید".

کسی که توان قربانی را ندارد بهتر است روزه بگیرد و گداگری نکند، و اگر قربانی یا چیزی دیگری بدون طمع و تملق برایش داده شد اشکالی ندارد، هر چند از طرف کسی دیگر حج کرده باشد و او خریدن حیوان قربانی را از مال مدفوع له شرط نکرده باشد. اما آنچه برخی ها انجام میدهند، مثلاً: از حکومت به دروغ و به نام این و آن حیوان قربانی میگیرند، بدون شک این حرام است؛ زیرا این از باب تأکل به دروغ است. الله تعالی همه مسلمانان را از این بد بختی ها نجات دهد!

فصل دوازدهم

در بیان وجوب امر به معروف بالای حجاج و غیره

امر به معروف و نهی از منکر از بزرگترین وجایب و فرایض - هر مسلمان - به ویژه حجاج کرام است، همچنان پابندی و التزام به نماز های جماعت، زیرا الله تعالی در کتابش و بر زبان پیامبرش به آن دستور داده است.

وجوب محافظت بر نماز های جماعت در مسجد:

اما رویه برخی مردم اعم از ساکنان مکه و غیره که در مساجد حاضر نمی شوند و نماز ها را در خانه های شان می خوانند، اشتباه بزرگی است، باید از این جلوگیری شود، و مردم به خواندن نماز در مساجد تشویق و ترغیب و توصیه شوند؛ زیرا هنگام که عبدالله بن ام مکتوم که شخصی نابینا و خانه اش از مسجد دور بود اجازه خواست که نمازش را در خانه بخواند، رسول الله ﷺ فرمودند: «هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ» ترجمه: "آیا اذان را میشنوی؟ گفت: بلی، فرمودند: پس اجابت کن! و در روایت دیگری فرمودند: «لَا أَجِدُ لَكَ رُخْصَةً» ترجمه: "برایت هیچ رخصتی نمی یابم." و در حدیث دیگری فرمودند: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ، ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيَصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ» ترجمه: "بی تردید خواستم که (مردم را) به برپایی نماز دستور دهم تا (نماز) را بر پا شود آنگاه به مردی دستور بدهم تا امامت مردم را (در نماز) بر عهده گیرد. سپس با خود گروهی از مردان را که بسته های هیزم حمل می کنند به سوی مردمانی ببرم که در نماز (جماعت) شرکت نمی کنند و خانه هایشان را بر سرشان آتش بزنم"

در سنن ابن ماجه و غیره از ابن عباس با سند حسن روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يَأْتِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ» ترجمه: "هر کس صدای اذان را بشنود و بدون عذر از رفتن به سوی نماز جماعت سر باز زند، نمازش ارزش ندارد".

و در صحیح مسلم از ابن مسعود روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِتَبْيِئِكُمْ صُنْنَ الْهُدَى وَإِنَّهُنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحَسِّنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ هَذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً وَيَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً وَيَحُطُّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَلَقَدْ رَأَيْتَنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النَّفَاقِ وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ يَهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّفِّ» [صحیح مسلم]، ترجمه: "کسی که دوست دارد فردای قیامت به عنوان مسلمان با الله تعالی روبرو شود باید بر این نماز های (پنجگانه) هر جا که اذان گفته شود محافظت کند؛ زیرا الله تعالی سنن و روش های هدایت را به پیامبر تان آموخته و بیان کرده است. و بی گمان که نماز های پنجگانه از روش های هدایت هستند، اگر در خانه های تان نماز خواندید (به مسجد نرفتید) همان گونه که این متخلف در خانه اش نماز میخواند قطعاً سنت پیامبر تان را ترک نموده اید و اگر سنت پیامبر را ترک کنید یقیناً گمراه می شوید. و هر شخصی که به خوبی وضو می گیرد و به یکی از مساجد می رود الله تعالی در مقابل هر گامی که بر می دارد به یک نیکی داده و درجه ای بر درجاتش می افزاید و گناهی از گناهانش را محو می سازد. و می دیدیم که از نماز جماعت هیچ کس باز نمی ماند، جز و شخصی که نفاقش کاملاً معلوم و مشخص بود. و شخصی بیمار –

بمنظور شرکت در نماز جماعت - بین بازو های دو نفر کشان کشان به مسجد آورده میشد و در صف جای داده میشد."

باید هر مسلمان به ویژه حجاج کرام از محرّمات جدّاً اجتناب کنند. مثلاً: از ارتکاب معاصی و گناهان مانند: زنا، لواطت، دزدی، سود خواری، خوردن مال یتیم، فریب در معاملات، خیانت در امانات، نوشیدن مسکرات و کشیدن دخانیات، دراز نمودن ازار و چادر پایین از بجلک پا، تکبر و حسد، ریا کاری، غیبت، سخن چینی، استهزاء به مسلمانان، استعمال کردن ابزار بازی، مانند: رباب، طنبور، نای، عود، و شنیدن موسیقی و ابزار طرب و خوشی مانند: رادیو و غیره، بازی با نرد (لدو) و شطرنج، قمار زدن، عکس گرفتن، از ذی روح ها، و راضی شدن به همه این منکرات، این منکراتی است که الله تعالی آنها را در هر مکان و زمان بر بندگان حرام قرار داده، پس باید حجاج کرام و ساکنان بیت الله الحرام نسبت به دیگران بیشتر از این چیز ها بر حذر باشند؛ زیرا حجم گناه در این سرزمین پاک و مقدس بزرگتر و عقوبتش سختتر است؛ چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵]. "و کسی که از روی ستم در آن جا کج روی (و انحراف از حق) را بخواهد، از عذاب دردناک به او می چشانیم."

پس وقتی الله تعالی کسی را که اراده نافرمانی و الحاد را در حرم بکند مورد وعید و توبیخ قرار داده، چگونه باشد حال کسی که این منکرات و معاصی را در آنجا مرتکب میشود؟ بدون شک جرمش خیلی سنگین خواهد بود، لذا باید از این گناه و از سایر معاصی و دیگر گناهان بر حذر باشیم.

حاجی در صورتی که از حج ثواب می برد و گناهانش بخشیدن می شوند که از این معاصی و از دیگر معاصی بر حذر باشد، چنانچه در حدیث آمده که رسول الله

فرمودند: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرُفْثَ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ» [صحیح البخاری] ترجمه: "هر کس حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن (در زمان حج)، پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک میشود که گویا تازه از مادر، متولد شده است."

بزرگترین و خطرناکترین این منکرات، فریاد زدن مردگان، داد خواهی و یاری طلبیدن از آنها، نذر و ذبح برای آنان به امید شفاعت در نزد الله تعالی با شفا بخشیدن مریضان و یا هم برگرداندن غایبان و غیره است. این شرک اکبر است که الله تعالی آن را قطعاً حرام قرار داده و این دین مشرکین جاهلیت بود که الله تعالی باری انکار و نهی از آن پیامبران را فرستاد و کتابها را نازل کرد.

بناءً بر هر حاجی واجب و حتمی است که از این گمراهی بزرگ بر حذر باشد و از آنچه قبلاً به آن مبتلا بوده توبه کند و حش را تجدید نماید؛ زیرا شرک اکبر فتنه ای خطرناکی است که همه اعمال انسان را حیف و میل و نابود می کند، الله تعالی بعد از ذکر اسماء پیامبران می فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأَنْعَام: ۸۸]. "و اگر شرک می ورزیدند؛ هر آینه آنچه را که انجام داده بودند از (اعمال نیک) آنها نابود می شد."

و از انواع شرک اصغر سوگند به غیر الله است، مانند: سوگند به پیامبر، کعبه، امانت، ریا در کردار و گفتار، گفتن: آنچه الله بخواهد و تو بخواهی، اگر الله و تو نمی بودی، این از الله و از توست و مانند این الفاظ دیگری، پس باید از این دسته منکرات شرکی بر حذر باشیم و دیگران را از آن با خبر سازیم؛ زیرا پیامبر ﷺ می فرماید: «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ، فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» ترجمه: "هر کس به غیر الله سوگند بخورد، همانا کفر یا شرک ورزیده است" (أَخْرَجَهُ أَحْمَدُ وَ أَبُو دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيُّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ). و در حدیث بخاری آمده: «مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيَصْمُتْ»

ترجمه: "هر کس که میخواهد سوگند یاد کند، به نام الله سوگند یاد کند، یا سکوت نماید". نیز فرمودند: «**مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِنَّا**» ترجمه: "هر کس به امانت (یا شرف یا صداقت) سوگند بخورد، از ما نیست". (سنن ابو داوود).

نیز فرمودند: «**إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ، قَالُوا: وَمَا الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الرِّيَاءُ**» ترجمه: "بیشترین چیزی که بر شما از آن می ترسم شرک اصغر است گفتند: ای رسول الله شرک اصغر چیست؟ فرمودند: ریا". (مسند أحمد).

نیز فرمودند: «**لَا تَقُولُوا مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فَلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ شَاءَ فَلَانٌ**» ترجمه: "نگویید هر چه الله و فلانی بخواهد، بلکه بگویید هر چه الله بخواهد و سپس فلانی بخواهد". (ابو داوود).

امام نسائی از ابن عباس روایت نموده: «**أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا شَاءَ اللَّهُ وَشِئْتُ فَقَالَ: «أَجَعَلْتَنِي لِلَّهِ نِدًّا قُل: مَا شَاءَ اللَّهُ وَحْدَهُ»**» ترجمه: "مردی به پیامبر ﷺ گفت: هر چه الله و شما بخواهید! رسول الله فرمودند: آیا مرا با الله شریک قرار می دهی بلکه بگو: آنچه الله به تنهایی بخواهد".

این احادیث دلالت بر این دارند که رسول الله ﷺ همواره از توحید حمایت و دفاع می کردند و امت شان را از شرک اکبر و شرک اصغر بر حذر داشتند و بر سلامت ایمان امت و نجات آنان از عذاب الهی و اسباب غضب آن سخت حریص بودند، الله تعالی ایشان را جزا و پاداش خیر نصیب کند، حقیقتاً ایشان در ابلاغ رسالت و انذار امت و نصیح و خیر خواهی برای الله و بندگان همواره تلاش کردند و هیچ کوتاهی از ایشان در این مورد صورت نگرفته.

بناء بر اهل علم اعم از حجاج کرام و مقیمین آن شهر و دیار است که شریعت الله را به مردم تعلیم دهند، و ایشان از انواع شرک و معاصی بر حذر بدارند و این

مسائل را مدلل و مفصل بیان کنند تا بدین وسیله مردم را از تاریکی های شرک و کفر بسوی نور و روشنایی سوق دهند تا آنچه را الله تعالی بالایشان از ابلاغ و بیان واجب گردانیده ادا کرده باشند. الله تعالی میفرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ﴾ [آل عمران: ۱۸۷]. ترجمه: "و (به یاد بیاورید) هنگامی را که الله، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت، که حتماً آن را برای مردم بیان کنید، و آن را کتمان نکنید".

هدف از این آیه کریمه تحذیر و هشدار برای علمای امت اسلامی است که مبادا راه و روش ظالمانه اهل کتاب که عبادت از کتمان حق است را اختیار کنند و دنیا را به آخرت ترجیح دهند.

الله تعالی میفرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾﴾ [البقره: ۱۵۹ - ۱۶۰]. ترجمه: "همانا کسانی که آنچه را که از دلایل روشن و هدایت نازل کرده ایم؛ بعد از آنکه آن را در کتاب (تورات) برای مردم بیان نمودیم، کتمان می کنند، الله آنها را لعنت می کند، و لعنت کنندگان (از مؤمنان و فرشتگان نیز) آنها را لعنت می کنند، مگر کسانی که توبه کردند و (اعمال خود را) اصلاح نمودند (و آنچه را کتمان کرده بودند) آشکار ساختند، پس اینانند که توبه ایشان را می پذیرم، و من توبه پذیر مهربانم".

همانا آیاتی قرآنی و احادیثی نبوی دلالت بر این دارد که دعوت بسوی الله و رهنمود بندگان بسوی هدف خلقت شان (عبادت) از افضل ترین اعمال و از اهم ترین واجبات به شمار می رود، این راه راه انبیاء و پیامبران و اتباع ایشان تا روز

قیامت است، چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [فصلت: ۳۳]. ترجمه: "و چه کسی خوش گفتارتر است از کسی که بسوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: بی شک من از مسلمانان هستم؟!".

نیز الله تعالی میفرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸]. " (ای پیامبر!) بگو: این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی الله دعوت می کنم، و کسانی که از من پیروی کردند (نیز چنین می کنند) و الله پاک و منزّه است، و من از مشرکان نیستم".

رسول الله ﷺ میفرماید: «مَنْ دَلَّ عَلَىٰ خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ» ترجمه: "کسی که به کار خیری راهنمایی کند؛ پس برای او نیز همانند انجام دهنده آن ثواب و پاداش است" [روایت مسلم].

و رسول الله ﷺ برای علی ﷺ گفتند: «فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَّكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ» ترجمه: "به الله سوگند! اگر الله تنها یک نفر را به وسیله (ارشاد و آرامش و مهربانی) تو هدایت کند، برای تو از شتران سرخ موی بهتر است". [متفق علیه]

در این باب آیات و احادیث خیلی زیاد است.

سزاوار است که اهل علم و ایمان در راه دعوت بسوی الله و رهنمود بندگان به اسباب نجات و هشدار آنان از اسباب هلاکت و تباهی کوشش و زحمتی فراوانی به خرج دهند به ویژه در این عصر پُر فتنه که خواسته های غلط غالب، نظریات کمر شکن و نعره های جاهلی به پیمانانه بزرگ منتشر گردیده و داعیان حق گم گشته و داعیان الحاد، اباحت و کفر ضلالت همه میادین را اشغال کرده اند.

فصل سیزدهم

در بیان تزود (توشه گرفتن) از اطاعات

مستحب است که حجاج کرام همه وقت به ویژه در حین اقامت در مکه مکرمه مشغول ذکر و طاعت الله تعالی و انجام دادن اعمال نیکو باشند؛ زیاد نماز بخوانند و طواف کنند؛ زیرا ثواب نیکی ها در حرم دو چند می شود، و جرم گناهان در حرم نیز خیلی سنگین می باشد؛ همچنان می سزد که بر پیامبر ﷺ زیاد درود و صلوات بفرستند.

و چون اراده خارج شدن از مکه را کردند واجب است که قبل از بیرون شدن به خانه کعبه رفته طواف و دعا را انجام دهد و هنگام برگشت نباید به قهقری بر گردد؛ زیرا این عمل نه از پیامبر ﷺ به اثبات رسیده و نه از اصحابش بلکه از جمله بدعت ها و نوآوری ها در دین است. رسول الله ﷺ فرموده اند: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» ترجمه: "هر که عملی انجام دهد که مطابق روش ما نباشد، آن عمل مردود است" [صحیح مسلم].

در حدیث دیگری فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَ مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» ترجمه: "از نوآوری (در امور دین) بپرهیزید؛ چرا که هر نوآوری بدعت و هر بدعت گمراهی است" [متفق علیه].

از الله تعالی سوال می کنیم که ما را بر دینش ثبات و استقامت نصیب نموده و از مخالفت و سرکشی از قبول حق بدور داشته باشد.

فصل چهاردهم

در بیان احکام زیارت مسجد نبوی و آداب آن

زیارت مسجد نبوی قبل از ادای مناسک حج و یا بعد از آن مسنون است، چنانچه در حدیثی که در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده اند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيهَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» ترجمه: "یک نماز در مسجد من ثوابش از هزار نماز در سایر مساجد بیشتر است، به جز نماز در مسجد الحرام".

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» ترجمه: "یک نماز در مسجد من، بهتر است از هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام، و یک نماز در آن برابر صد نماز در مسجد من است". (احمد، و ابن حبان از جابر رضی الله عنه روایت کرده اند).

و در روایت دیگر از جابر آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيهَا سِوَاهُ» ترجمه: "یک نماز در مسجد من بیشتر از هزار نماز در سایر مساجد - جز مسجد الحرام است و یک نماز در مسجد الحرام معادل یکصد هزار نماز در سایر مساجد است" [روایت احمد و ابن ماجه]. و در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارد.

هر گاه زائر به مسجد نبوی رسید و خواست داخل شود مستحب است که با پای راست داخل شده و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ

العَظِيمِ وَيُوجِهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ ترجمه: "بنام الله و درود و سلام به رسول الله، پناه می برم به الله بزرگ و ذات کریمش و قدرت قدیمش از دست شیطان رانده شده و رجیمش، پروردگارا! در های رحمتت را بر من بگشای!"

این همان دعای است که در هنگام ورود به مسجدی خوانده می شود بنابر این مسجد رسول الله ﷺ دعای مخصوص ندارد، آنگاه دو رکعت نماز میگذارد، و سپس دعا می کند و هر چه خواست از خیر دنیا و آخرت از الله می طلبد، اگر این دو رکعت را در روزه شریفه بخواند بهتر است، زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: **«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»** ترجمه: "بین خانه و منبر من باغی از باغ های بهشت است!"

آنگاه پس از نماز و دعا، قبر پیامبر ﷺ و قبر دو یار با وفایش ابوبکر و عمر ﷺ را زیارت می کند به این ترتیب که مقابل قبر رسول الله ﷺ با ادب می ایستد و با صدای آهسته سلام میکند: چنانکه در سنن ابو داود با سند حسن از ابو هریره ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ إِلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»** ترجمه: "هیچ کسی نیست که بر من سلام بفرستد مگر این که الله روح مرا به من باز می گرداند تا اینکه سلام او را جواب دهم!"

اگر زائر در سلامش بگوید: **«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَنَصَحْتَ الْأُمَّةَ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»** ترجمه: "درود بر تو ای نبی، درود بر تو ای برگزیده آفریدگان الله، ای پیشوای رسولان، ای امام متقین! گواهی میدهم که تو رسالت خویش را تبلیغ نموده ای و امانت خویش را بجا

آورده ای و خیر خواه امت خود بوده ای و آنگونه که شایسته است در راه الله جهاد کرده ای."

اشکالی ندارد زیرا همه اینها از صفات رسول الله ﷺ است. سپس به رسول الله ﷺ درود می فرستد و دعا می کند، اینکه یکجا درود و سلام میخوانیم چون در شریعت ثابت شده چنانکه الله متعال می فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)** [الأحزاب: ۵۶]. ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید، و سلام بگویید، سلام نیکو".

سپس به ابوبکر و عمر ﷺ سلام می کند و برایشان دعا نموده و از الله تعالی طلب رضایت و خوشنودی می نماید. ابن عمر ﷺ هنگامی که بر رسول الله ﷺ و دو یار شان سلام میکرد می فرمود: **(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَابَكْرٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ)**. بیشتر از این چیزی نمی گفت و به راهش می رفت.

این زیارت فقط برای مردان جایز است، برای زنان زیارت هیچگونه قبری جایز نیست، چنانکه از پیامبر ﷺ ثابت شده که ایشان: **«أَنَّه لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمُتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالشُّرُوجَ»** ترجمه: "زنانی که قبور را بسیار زیارت می کنند و آنهایی که بر قبور مساجد می سازند و قبور را چراغان می کنند لعنت کرده اند!"

اما به قصد نماز خواندن در مسجد پیامبر ﷺ و دعا کردن در آن و دیگر اعمالی که در سایر مساجد مشروع است، به مدینه رفتن برای همه جایز است، چنانکه در احادیث قبلاً ذکر شد.

همچنین سنت است که زائر نمازهای پنجگانه را در مسجد پیامبر ﷺ بخواند، و اینکه فرصت را غنیمت بشمارد و به سبب پاداش عظیمی که دارد در آن ذکر و دعا های نفلی به کثرت بخواند.

همچنین مستحب است که در روزه شریفه نماز نفل زیاد بخوانید، بدلیل حدیث صحیحی که در فضیلت آن ذکر شده: **«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»** ترجمه: "بین خانه و منبر من باغی از باغهای بهشت است".

و اما نمازهای فرض را چه زائر و چه غیر زائر همه باید بکوشند که حتی الامکان در صف های اول بخوانند حتی اگر در بخش های اضافه شده به مسجد در جهت قبله اش باشد؛ زیرا احادیث صحیح زیادی آمده که به صف اول ترغیب و تشویق نموده است. مثل این فرموده رسول الله ﷺ: **«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوا»** [متفق علیه] ترجمه: "اگر مردم بدانند که اذان دادن و صف اول چقدر ثواب دارد و ببینند که جز با قرعه کشی بدست نمی آید حتما قرعه کشی خواهند کرد". و این فرموده رسول الله ﷺ که به اصحاب شان فرمودند: **«تَقَدَّمُوا فَأَتَمُّوا بِي وَلِيَأْتَمَّ بِكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ وَلَا يَزَالُ قَوْمٌ يَتَأَخَّرُونَ حَتَّى يُؤَخَّرَهُمُ اللَّهُ»** ترجمه: "جلو بیایید، و به من اقتداء کنید و کسانی که بعد از شما هستند به شما اقتدا کنند - یعنی صفهایشان متصل به شما باشد - انسان همچنان خود را از نماز عقب می کشد تا آنکه الله او را عقب می اندازد". [روایت صحیح مسلم].

و ابو داود از - ام المؤمنین - عایشه رضی الله عنها به سند حسن روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمودند: **«لَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ عَنِ الصَّفِّ الْمَقْدَمِ حَتَّى يُؤَخَّرَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ»** ترجمه: "شخص همچنان از صف جلو خود را عقب میکشد تا اینکه الله او را به جهنم می کشاند".

همچنین از رسول الله ﷺ ثابت شده است که به اصحابشان فرمودند:

«أَلَا تَصْفُونَ كَمَا تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا قَالَ: يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى وَيَتَرَاصُونَ فِي الصَّفِّ» ترجمه: "آیا مانند فرشتگان که در حضور پروردگار شان صف می بندند، صف نمی بندید؟ گفتند: ای رسول الله! مگر فرشتگان در حضور پروردگار شان چگونه صف می بندند، فرمودند: صف های جلو را پُر می کنند و در صف راست و نزدیک به هم می ایستند."

احادیث در این باب بسیار است، این فضیلت (صف اول) شامل همه مساجد می شود چنانکه شامل بخش های اضافه شده به مسجد النبی نیز می شود.

همچنین از رسول الله ﷺ ثابت شده است که ایشان اصحابشان را ترغیب می کردند که به سمت راست صف بایستند. و مشخص است که در مسجد قدیم سمت راست صف خارج از روضه شریفه است، پس معلوم میشود که اهمیت دادن به صف های جلو و سمت راست مقدم است بر اهمیت روضه شریفه و اینکه محافظت بر این دو، اولی و افضل از محافظت بر نماز در روضه شریفه است، برای کسی که در احادیث وارده در این باب دقت کرده باشد مسئله واضح و روشن است البته توفیق از جانب الله است.

برای هیچکس جایز نیست که به حجره شریفه دست بکشد یا آنرا ببوسد یا اینکه به دور آن طواف کند، زیرا این امور از سلف صالح نقل نشده بلکه انجام چنین اعمالی بدعت ناپسندیده است، و برای هیچکس جایز نیست که از رسول الله ﷺ بخواهد که حاجتش را بر آورده یا مشکلش را حل کند یا مریضش را شفا بخشد و از این قبیل امور، زیرا همه اینگونه مسائل جز الله توانا و بی نیاز از هیچ کسی خواسته نمی شود، و خواستن و طلب کردن چنین اموری از مردگان شرک و پرستش غیر الله بشمار می آید.

دین اسلام بر دو اصل استوار است، اول اینکه جز الله یگانه هیچ کس یا چیزی پرستیده نشود، دوم اینکه این پرستش جز به طریقه ای که پیامبر ﷺ مشروع فرموده انجام نگیرد. و این همان معنی «لا اله الا الله محمد رسول الله» است. چنانچه جایز نیست که کسی از پیامبر ﷺ طلب شفاعت کند زیرا شفاعت ملک الله و در اختیار اوست و از غیر او نمی توان آنرا طلب کرد، چنانکه الله متعال می فرماید: **﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾** [الزمر: ۴۴]. ترجمه: "بگو شفاعت همه از آن الله تعالی است".

اما می توان گفت: الها! پیامبرت را شفیع من بگردان، الها! فرشتگانت را شفیع من بگردان، و بندگان مؤمنت را شفیع من بگردان، الها فرزندانم را شفیع من بگردان. و از این قبیل جملات.

و اما مردگان، هیچ چیزی از آنان خواسته نمی شود، نه شفاعت و نه غیر آن، چه پیامبران باشند و چه غیر پیامبران، زیرا این عمل جایز نیست، و مرده تمام اعمالش قطع میشود مگر چیزی که شارع استثناء فرموده است. و در صحیح مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمودند: **«إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»** ترجمه: "هرگاه انسان بمیرد عملش منقطع میشود مگر سه چیز: صدقه جاریه، یا علمی که از آن سود برده شود، یا فرزند نیکی که برایش دعا نماید".

و از پیامبر ﷺ قبل از وفات و در روز قیامت طلب شفاعت جایز است. زیرا که ایشان توانایی آنرا دارند و می توانند از پروردگار شان برای طالب آن بخواهند، در دنیا که معلوم است و این خاص به ایشان نیست بلکه عام است هم برای ایشان هم برای دیگران، بنابر این بر بنده مسلمان جایز است که به برادر مسلمانش بگوید: برای من نزد پروردگارم شفاعت کن یعنی برایم دعا کن، و کسی که چنین چیزی از

او خواسته شده اگر خواسته او مباح باشد جایز است که از الله تعالی بخواهد و برای او از نزد الله شفاعت یا سفارش کند.

اما در روز قیامت هیچ کس بدون اجازه الله متعال نمی تواند شفاعت کند چنانکه الله تعالی نی فرماید: **(مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ)** [البقره: ۲۵۵].

"کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟"

و حالت مرده، حالت خاصی است، و جایز نیست که این حالت را به قبل از مردن و یا پس از برانگیخته شدن در روز قیامت قیاس کنیم، زیرا اعمال انسان پس از مردن قطع میشود او فقط در گرو اعمالی است که انجام داده مگر آنچه که شریعت استثناء کرده است، و طلب شفاعت از مردگان از اعمالی نیست که شریعت آنرا استثناء کرده باشد.

شکی نیست که پیامبر ﷺ پس از وفاتشان به حیات برزخی زنده هستند که از حیات شهداء کامل تر است ولی مانند حیات پیش از موت یا حیات روز قیامت ایشان نیست بلکه زندگی ای است که کیفیت و چگونگی آنرا غیر از الله متعال هیچکس نمی داند، لذا این فرموده ایشان که در حدیث شریف گذشت: **«مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلَّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ إِلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»**، این دلیل آشکار است که ایشان مرده اند و روح از بدنشان جدا شده است، اما هنگام سلام روحشان باز گردانیده میشود، نصوصی که از قرآن و سنت بر موت ایشان دلالت دارد روشن است و این امر در بین علماء محل اتفاق است، اما این امر مانع از حیات برزخی ایشان نیست چنانکه موت شهداء مانع حیات برزخی آنان نیست که الله متعال می فرماید: **(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ)** [آل عمران: ۱۶۹]. ترجمه: **"و هرگز کسانی را که در راه الله کشته شده اند؛ مرده مپندارید، بلکه زنده اند، نزد پروردگار شان روزی داده می شوند"**.

در این مسئله سخن بطول انجامید و چنین چیزی لازم بود، چون بسیاری کسانی که در این باب اشتباه می کنند و به جای آنکه الله را بخوانند مردم را به شرک و پرستش مردگان دعوت می کنند.

برای خودمان و برای سایر مسلمین از الله تعالی میخواهیم که از آنچه با شریعتش مخالف است ما را سلامت و محفوظ بدارد. و الله داناتر است.

و اما آنچه که بعضی زائران انجام می دهند که در کنار قبر رسول الله ﷺ صدایشان را بلند می کنند یا خیلی زیاد در آنجا می ایستند این اعمال جایز نیست، زیرا الله متعال امت را از اینکه صدایشان را بالاتر از صدای پیامبر ﷺ بلند کنند و از اینکه با ایشان مانند یکدیگر با صدای بلند صحبت کنند، منع فرموده و آنها را ترغیب نموده که در نزد ایشان آواز شان را آهسته کنند، الله تعالی میفرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

عَظِيمٌ ﴿۳﴾ [الحجرات: ۲ - ۳]. ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای تان را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و با او با آواز بلند سخن نگویند، همان گونه که با یکدیگر بلند سخن میگویند، که مبادا در حالی که نمی دانید اعمال شما نابود گردد. بیگمان کسانی که صدای خود را نزد رسول الله ﷺ پایین می آورند، آنها کسانی هستند که الله تعالی دلهای شان را برای تقوا آزموده (و خالص گردانیده) است، برای آنها آمرزش و پاداش عظیمی است!"

و دیگر اینکه در کنار قبر پیامبر ﷺ زیاد ایستادن و مکرر سلام کردن منجر به ازدحام و سرو صدای زیاد و آواز های بلند در کنار قبر شریف ایشان ﷺ میگردد و این امر با آنچه الله تعالی در آیات مذکوره برای مسلمین مشروع قرار داده مخالف

است، و احترام حضرتش همچنانکه در حال حیات واجب است پس از فات نیز واجب است، بنابر این برای بنده مسلمان شایسته نیست که در کنار قبر ایشان عملی انجام دهد که مخالف آداب شرعی باشد.

چنانکه بعضی زائران یا حتی غیر زائران برای دعا قبر رسول الله ﷺ را انتخاب می کنند و رو به طرف قبر می ایستند و دست شان را بلند کرده دعا می کنند. همه این اعمال خلاف سیرت سلف صالح اعم از صحابه رسول الله ﷺ و دیگر پیروان نیکو کار است، بلکه اینها بدعت های است که در دین ایجاد شده است. پیامبر ﷺ می فرمایند: **«عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالتَّوَّاجِدِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»** ترجمه: "بر شماست که سنت مرا و سنت خلفای راشدین مهدیین - رستگاران هدایت شده - را که پس از من هستند محکم بگیرید و با دندان نگهدارید، و مبادا به آنچه در دین ایجاد میشود نزدیک شوید، زیرا هر عمل نو پیدا - در دین - بدعت است و هر بدعت گمراهی است" این حدیث را امام ابو داود و نسائی به سند حسن روایت کرده اند.

و همچنین پیامبر ﷺ می فرمایند: **«مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»** ترجمه: "کسی که در دین ما چیزی ایجاد کند که در آن نیست آن عمل ایجاد شده مردود است". [أخرجه البخاری و مسلم].

و در روایت دیگری از مسلم آمده است که فرمودند: **«مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»** ترجمه: "هرکس عملی انجام دهد که در دین ما نیست آن عملش مردود است". باری علی ابن حسین ﷺ - (امام زین العابدین که از دانشمندترین علمای اهل بیت هستند) شخصی را دیدند که کنار قبر پیامبر ﷺ دعا می کند

او را از این کار منع کرد و فرمود: آیا حدیثی برایت بیان نکنم که از پدرم و پدرم از پدر کلانم و پدر کلانم از رسول الله ﷺ شنیده است که فرموده اند: «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيدًا، وَلَا بِيُوتَكُمْ قُبُورًا، فَإِنْ تَسَلِمْتُمْ يَبْلُغَنِي أَيْنَمَا كُنْتُمْ» ترجمه: "قبر مرا جای جشن و سرود و خانه های تان را قبرستان قرار ندهید و بر من درود و سلام بفرستید که سلام شما هر جایی که باشید به من میرسد". [روایت از حافظ محمد بن عبدالواحد مقدس است که در کتابش «المختاره» آورده است].

بعضی زائران هنگام سلام دادن بر رسول الله ﷺ دست راست را روی دست چپ و بر سینه یا پائین تر می گیرند طوری که گویا به نماز ایستاده اند، به این صورت ایستادن و سلام دادن درست نیست، چنانکه در مقابل کسی دیگری اعم از پادشاهان و رهبران و غیره نیز به این شکل ایستادن درست نیست، زیرا این شکل فروتنی و خضوع و عبادت است، که جز الله برای هیچ کسی دیگر جایز نیست چنانکه حافظ ابن حجر رَحِمَهُ اللهُ در فتح الباری از علماء نقل کرده است، مسئله در اینجا بسیار روشن است البته برای کسی که دقت کند و هدفش پیروی از راه و روش سلف صالح باشد و اما کسی که تعصب و خواهش نفس و تقلید کورکورانه بر او غالب باشد و نسبت به داعیان به سوی طریقه سلف صالح بدبین باشد کار او را به الله می سپاریم و از الله برای خودمان و برای او هدایت و توفیق می طلبیم که بتوانیم حق را بر هر چیزی دیگر ترجیح دهیم.

همچنان بعضی مردم از دور رو به طرف قبر شریف می ایستند و لبانشان را می جنبانند گویا سلام و دعا می خوانند، همه اینها از قبیل همان بدعت های گذشته است که برای هیچ مسلمانی مناسب نیست که در دین خودش چیز های را پدید آورد که الله آنرا مشروع قرار نداده است، شخصی که چنین عملی انجام میدهد گرچه با اخلاص و از روی محبت است اما این کردارش به جفا و بی مهری نزدیک تر است تا درستی و محبت.

امام مالک رَحْمَةُ اللَّهِ (که تمام عمرش را در مسجد النبی به نشر علم و سنت مشغول بود تا جایی که به امام دارالهیجه معروف است) از این عمل و امثال آن باز داشته و میفرماید: «لَنْ يُصْلِحَ آخِرَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا مَا أَصْلَحَ أَوْلَهَا» ترجمه: "آخر این امت را اصلاح نمی کند مگر آنچه که اول آنرا اصلاح کرده است".

و روشن است که آنچه اول این امت را اصلاح کرده حرکت در مسیر منهج نبوی ﷺ و خلفای راشدین و صحابه مرضیین کسانی که الله تعالی از آنان اعلان رضایت و خوشنودی فرموده و پیروان نیکو کار آنان بوده است پس آخر این امت نیز جز با چنگ زدن به همان منهج و روش و حرکت در همان مسیر اصلاح نخواهد شد. از الله تعالی میخواهیم که مسلمین را به آنچه که نجات و سعادت و عزت دنیا و آخرتشان در آن است توفیق عنایت فرماید برآستی که او عطا کننده و نوازشگر است.

حکم زیارت و قبر پیامبر ﷺ

چنانکه بعضی عوام پنداشته اند زیارت قبر رسول الله ﷺ نه واجب و نه از شروط حج است فقط برای کسیکه به مسجد پیامبر ﷺ بیاید یا نزدیک آن باشد زیارت قبرش مستحب است، اما کسیکه از مدینه دور باشد جایز نیست که فقط به قصد زیارت قبر شریف به مدینه سفر کند، بلکه به قصد مسجد شریف سفر کردن مسنون است، وقتی به مسجد رسید قبر شریف پیامبر ﷺ و قبر دو صحابی ایشان، ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما که در کنار آنجا دفن هستند را زیارت کند، چون زیارت قبر پیامبر ﷺ و قبر دو صحابی عزیز شان تابع زیارت مسجد ایشان است. زیرا در صحیحین ثابت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «لَا تَشَدُّو الرِّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ» ترجمه: "شدّ رحال - یعنی سفر مخصوص به نیت عبادت - جایز نیست مگر به سه مسجد: مسجد الحرام، و این مسجد و مسجد اقصی".

اگر شد رحال به قصد زیارت قبر خود ایشان یا قبر غیر ایشان جایز میبود حتماً امت را به آن راهنمایی می فرمودند، و فضیلت آنرا بیان می نمودند زیرا ایشان از هر کس دیگری برای امت شان خیر خواه تر و به پروردگار شان داناتر بودند و خوف شان از الله از همه بیشتر بود، ایشان بطور کامل و آشکار دین را بیان نموده و رسانده اند، امتشان را به هر خیری راهنمایی فرموده و از هر شری بر حذر داشته اند.

چگونه میتواند چنین اعمالی درست باشد در حالیکه ایشان جز سه مسجد مشخص از سفر مخصوص به هر جای دیگری به قصد عبادت بر حذر داشته اند و فرموده اند: **«لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِی عِیدًا، وَلَا بُیُوتَکُمْ قُبُورًا، فَإِنَّ تَسْلِیْمَکُمْ یَبْلُغُنِیْ أَیْنَمَا کُنْتُمْ»** ترجمه: "قبر مرا جای جشن و شادی و خانه های تان را قبرستان قرار ندهید و بر من درود بفرستید که درود شما هر جایی که باشید به من می رسد".

صحبت از مشروع بودن شد رحال برای زیارت قبر پیامبر ﷺ منجر به این میشود که قبر ایشان «عید» (جای شادی و خرسندی) قرار گیرد، و همان چیزی که پیامبر ﷺ از آن ترس داشتند یعنی غلو و شخصیت پرستی واقع گردد، چنانکه عملاً بسیاری از مردم در آن واقع شدند چون اعتقاد داشتند که برای زیارت قبر پیامبر ﷺ سفر مخصوص جایز است.

و احادیث و روایاتی که در این باب مورد استدلال جواز دهنده گان سفر مخصوص برای زیارت قبر رسول الله ﷺ قرار گرفته همه احایث ضعیف بلکه موضوعی است چنانکه محدثین از قبیل دارقطنی، بیهقی، حافظ بن حجر و غیره، این ضعف را بیان کرده اند، بنابر این درست نیست که این احادیث ضعیف را در مقابل احادیث صحیحی قرار دهیم. که بر حرام بودن شد رحال جز به مساجد سه گانه دلالت صریح و آشکار دارند.

خواننده عزیز! اینک چند نمونه از احادیث جعلی و دروغین و ساخته شده را در این باب گوشزد میکنم تا اینکه فریب آنها را نخورید و از آنها بپرهیزید:

* (مَنْ حَجَّ وَلَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي). ترجمه: "کسی که حج کند و مرا زیارت نکند با من جفا کرده است".

* (مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَمَاتِي فَكَأَنَّهَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي). ترجمه: "کسی که پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در حیاتم مرا زیارت کرده است".

* (مَنْ زَارَنِي وَ زَارَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ فِي عَامٍ وَاحِدٍ ضَمِنْتُ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ). ترجمه: "کسی که مرا و پدرم ابراهیم را در یک سال زیارت کند نزد الله برای او ضمانت بهشت می کنم".

* (مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي). "کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعت من بر او واجب می گردد".

این روایات و امثال اینها از پیامبر ﷺ ثابت نشده است. حافظ بن حجر در تلخیص پس از آنکه اکثر این روایات را ذکر کرده می فرماید: «طُرُقُ هَذِهِ الرَّوَايَاتِ كُلُّهَا ضَعِيفَةٌ» ترجمه: "سند همه این روایات ضعیف است".

حافظ العقیلی می فرماید: «لَا يَصْلُحُ فِي هَذَا الْبَابِ شَيْءٌ» ترجمه: "در این موضوع هیچ روایتی ثابت نیست".

شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - با قاطعیت می فرماید: (هَذِهِ الْأَحَادِيثُ كُلُّهَا مَوْضُوعَةٌ) ترجمه: "همه این احادیث جعلی است". و شما میدانید که دائره علم حفظ و آگاهی شخصیتی چون شیخ الإسلام چقدر گسترده است.

آری! اگر چیزی در این باره ثابت می بود صحابه (رضوان الله علیهم اجمعین) پیش از بقیه مردم به آن عمل می کردند و آنرا برای امت بیان می نمودند، امت را بسوی آن دعوت می دادند، زیرا پس از پیامبران ﷺ آنان بهترین و عالم ترین انسانها

بودند و قوانین الله و آنچه برای بندگانش مشروع قرار داده را از همه کس بهتر می دانستند و از هر کس دیگری برای امت در تبلیغ دین الله خیر خواه تر بودند، وقتی از آنها چیزی در این باب نقل نشده خود دلیل عدم جواز این عمل جایز است، بالفرض اگر چیزی هم در این زمینه آمده باشد آنها باید به زیارت مشروع حمل کرد که در آن رشد حال و سفر مخصوص به قصد زیارت قبر نیست، تا اینکه بین احادیث جمع صورت گیرد، الله تعالی از همه دانا تر است.



فصل پانزدهم

در بیان استحباب زیارت مسجد قباء و بقیع

برای کسی که به زیارت مدینه می‌رود سنت است به زیارت مسجد قبا برود و در آن نماز بخواند چون در صحیحین بنقل از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است، او می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَزُورُ مَسْجِدَ قُبَاءَ رَاكِبًا وَمَاشِيًا وَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ» ترجمه: "رسول الله ﷺ - مسجد قباء را سوار و پیاده زیارت می‌کرد و در آن نماز می‌خواند."

سهل بن حنیف رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءَ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ» ترجمه: "کسی که در خانه خویش وضو بگیرد بعد به مسجد قباء بیاید و در آن نماز بخواند اجری مانند اجر یک عمره برایش خواهد بود."

برای زیارت کننده سنت است که به زیارت قبر های بقیع و قبور شهدا و قبر حمزه رضی الله عنه برود، چون پیغمبر ﷺ به زیارت آنها می‌رفتند و برای آنها دعا میکردند رسول الله ﷺ میفرمایند: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ» ترجمه: "به زیارت قبر ها بروید زیرا زیارت آنها قیامت را به یاد شما می‌آورد." [صحیح مسلم].

رسول الله ﷺ - اصحاب بزرگوار را تعلیم می‌داد که به هنگام زیارت قبور بگویند: (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ نِسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ) ترجمه: "سلام بر شما ای اهل این دیار، از ایمان داران و مسلمانان، و ما این شاء الله به شما پیوست خواهیم شد عافیت را برای خودمان و شما از الله خواهیم." [خرجه مسلم من حدیث سلیمان بن بریده عن أبيه].

ترمذی از ابن عباس رضی الله عنهما - نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار گورستان مدینه عبور کردند رو به آنها ایستادند و گفتند: «**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَمَحْنُ بِالْأَثَرِ**» ترجمه: "سلام بر شما ای اهل گورستان الله ما و شما را ببخشد، شما پیشینیان ما، و ما به دنبال شما".

از این حدیث معلوم است که زیارت شرعی قبور آن است که به قصد یاد آوری روز قیامت و احسان به مردگان رساندن، و دعا برای آنها و ترحم بر آنها باشد. زیارت قبرها بقصد دعا نزد آنها (یا از آنها) و زانو زدن در مقابل آنان و خواستن نیازها و شفای امراض از آنان و جاه و مقام آنها را واسطه قرار دادن و ... بدعت، و از منکرات بوده، و الله و پیغمبر آنها را جایز ندانسته و سلف صالح انجامش نداده اند. بلکه این نوع زیارت جزو هجری است که رسول الله صلی الله علیه و آله - از آن نهی فرموده است، چنانکه میفرماید: «**زُورُوا الْقُبُورَ، وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا**» ترجمه: "به زیارت قبرها بروید ولی از سخنان زننده خودداری ورزید".

همه این امور در بدعت بودن مجتمع هستند اما با هم مساوی نیستند بعضی بدعت اند ولی شرک نیستند، مانند دعا و نیایش از الله در کنار قبرها، و طلب امور از الله بحق مردگان و جاه آنها و امثال این، و برخی از آنها علاوه بر بدعت شرک اکبر هم تلقی می شوند مانند: دعا از مردگان و استعانه از ایشان و امثال این امور. بیان این امور بصورت مفصل قبلاً توضیح داده شد، پس آگاه باش و بر حذر باش (ای برادر مسلمان) و از پروردگارت توفیق هدایت بسوی حق بخواه، چون تنها او هدایت کننده و توفیق دهنده است، و هیچ معبودی جز او، و پروردگاری سوای او وجود ندارد. این مطلبی بود که خواستیم آن را املا کنیم.

الحمد لله اولا و اخر. وصلی الله وسلم علی عبده و رسوله و خیرته من خلقه محمد و

علی آله و اصحابه، و من تبعهم یا احسان الی یوم الدین.